

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



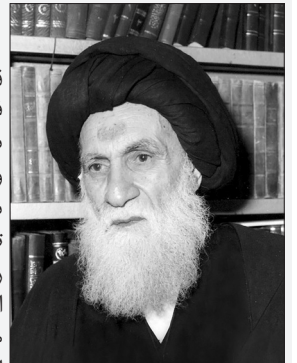
پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه مولوی عبدالحمید:
همه ارکان جمهوری اسلامی
موظفند هیچگونه تبعیض و
نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و
نژاد و مذهبی روا ندارند

سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۲ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۴ ♦ نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

نگاهی اجمالی به زندگانی مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی (قدس سره)

آغاز زندگی

ایشان در شب یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۰۹ هـ. ق برابر ۳ اسفند ۱۲۷۱ هـ. ش در بیت علم و فضیلت و کانون گرم خانواده‌ای اصیل در شهر شیراز دیده به جهان گشود و زیر نظر والد گرامیش مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمدطاهر موسوی شیرازی پرورش و تربیت یافت، و درس‌های نخستین زندگی را که شالوده شخصیت علمی و معنوی و انقلابییش بود فرا گرفت و در آن هنگام که به ۱۰ سال نرسیده بود، ادبیات فارسی و فرهنگ اصیل قرآنی را فرا گرفت و با جدیت فراوان به



تحصیل خود ادامه داد تا به مراحل عالییه سطح رسید و سطح عالی و مقداری از خارج فقه و اصول را در خدمت اساتید ارجمندش مانند آیت الله شیخ علی ابوالوردی و آیت الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی و آیت الله حاج شیخ محمدرضا ثامنی تلمذ نمود.

در اوائل سال ۱۳۳۰ هـ. ق در سن ۲۱ سالگی به دنبال مبارزه سرسختانه والد ماجدش علیه استبداد قاجار و نفوذ استعمار پیر انگلیس به همراه پدرش برای مدت شش ماه به سیوند (بین شیراز و اصفهان) تبعید شد و در این مدت با شور و شوق و اراده‌ای راسخ در مکتب آن پیر خرد و حکمت به فراگیری علمی در زمینه آموزه‌های دینی و سیاسی پرداخت و در مبارزه با طاغوت عصر خود و ستمگران وقت، بهترین یار و معین برای پدر بود و در ارتباط با همین واقعه بود که در پاسخ به عمال نظام حاکم که خواستار اخذ تعهد به منظور بازگرداندن او از تبعیدگاه به شیراز بودند، فرمود: دین یعنی پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی و مصلح هرگز از تبعید و زندان و مرگ نمی‌هراسد.

آیت الله العظمی شیرازی (ره) پس از گذراندن دوره تبعید و بازگشت به شیراز همچنان به درس و تدریس و فراگیری و تربیت طلاب فاضل حوزه علمیه ادامه داد، تا آنجا که استاد بزرگوارش برای وی گواهی اجتهاد صادر نمود و درباره ایشان فرمود: «... آقا سید عبدالله احتیاج به نجف رفتن ندارد».

در سال ۱۳۳۳ هـ. ق پس از طی مراحل از درس خارج در حوزه علمیه شیراز به منظور درک مراتب عالییه اجتهاد و فقاہت به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر پرفیض اساطین اجتهاد و فقاہت و ارکان فقه و اصول و اساتید و مراجع بزرگ وقت همچون مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله العظمی میرزا محمدحسین نائینی و زمان کوتاهی در محضر آیت الله العظمی حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) استفاده کرد.

ایشان پس از آنکه در چندین مرحله کتاب‌های کفایه و مکاسب و رسائل را در حوزه علمیه نجف اشرف تدریس کرد، سرانجام به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان مبرز و دانشمندی را تربیت نمود.

دوران تلمذ ایشان در محضر حضرت آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی سیزده سال به طول انجامید و معظم له حدّ اعلاّی اعتقاد را به علمیت این استاد داشت و شیفته مبانی اصولی او بود.

در فراگیری علوم حوزوی آنچنان با اشتیاق در درس شرکت می‌کرد و با اساتید به بحث و مناقشه می‌پرداخت که ایشان در بیان خاطرات دوران تحصیلاتش فرموده‌اند: «اینقدر با استاد کلنجار می‌رفتم تا مسئله حلاجی شود و گاهی به قدری این مشاجره طول می‌کشید که استاد می‌فرمود: نفسم را بریدی...».

به خاطر آن مجاهدت‌ها و تلاش در کسب فضائل بود که در فاصله‌ای نه چندان زیاد یکی از چهره‌های بارز و مشخص حوزه علمیه نجف اشرف و زبانزد خاص و عام گشت و در عین حالی که به این مرحله رسیده بود در جلسات درس اساتید بزرگ خود شرکت می‌نمود. ایشان پس از سیزده سال اقامت در نجف اشرف و فراگیری‌های شایسته از اساتید بزرگ و طی نمودن مدارج فقه و فقاہت به منظور ایفای رسالت خطیر دینی خویش و رسیدگی به وضع حوزه علمیه شیراز و بررسی اوضاع خظله گسترده فارس در سال ۱۳۴۵ هـ. ق از نجف اشرف به شیراز بازگشتند.

صفحه ۸



مراسم بزرگداشت آیت الله طالقانی در کانون توحید

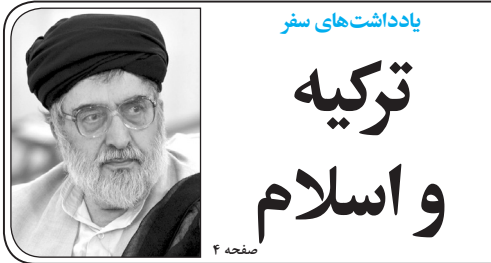
صفحه ۶



نگاهی بر حوادث ۲۸ مرداد

دیدگاه چند پژوهشگر تاریخ معاصر

صفحه ۲



یادداشت‌های سفر

ترکیه و اسلام

صفحه ۴

میراث علمی ماندگار

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، در شهر قم، بزرگترین کتابخانه نسخه‌های خطی ایران و سومین مجموعه نسخه‌های خطی در جهان اسلام به شمار می‌رود. تعداد نسخه‌های خطی این کتابخانه در سال ۱۳۹۳ ش، ۳۱۰۰۰ عنوان، مشتمل بر بیش از ۶۰۰۰۰ جلد بوده است. مرقد آیت الله مرعشی نجفی در قسمت ورودی این کتابخانه قرار دارد.

تاریخچه

هسته اولیه این کتابخانه هنگامی که آیت الله العظمی مرعشی نجفی در حوزه علمیه نجف به تحصیل اشتغال داشت شکل گرفت. عدم تمکن مالی و رقیبان قدرتمندی که میراث فرهنگی اسلامی را از کشورهای اسلامی خارج می‌ساختند، دو مشکل اساسی بر سر راه وی بود. حتی آیت الله مرعشی نجفی روزی بر سر خرید یک نسخه خطی با نماینده کنسول انگلیس در عراق درگیر شد و شبی را در زندان سپری نمود. وی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذایی روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاه‌های برنج‌کوبی در نجف اشرف پس از فراغت از درس و بحث به جمع‌آوری میراث و ذخایر اسلامی پرداخت و سرانجام به مجموعه‌ای نفیس از نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی نایاب دست یافت.

با مهاجرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ ق، مجموعه‌های فراهم شده نیز به ایران انتقال یافت و در منزل شخصی خویش به نگهداری از آنها پرداخت و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همت گمارد. در همان دوران استادان مشهور دانشگاه به قم می‌آمدند و از نسخه‌های نفیس موجود در منزل وی که در هیچ کتابخانه‌ای یافت نمی‌شد بهره می‌گرفتند. آقا بزرگ تهرانی در تألیف الذریعه، از کتابخانه او بیشترین بهره را برده و در جای جای این اثر از کتابخانه آیت الله مرعشی یاد می‌کند.

آیت الله العظمی مرعشی پس از تأسیس مدرسه مرعشیه، در سال ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۶ م نخست کتابخانه کوچکی در دو اتاق مدرسه مزبور پی افکند. آن‌گاه در سوم شعبان همان سال، مطابق ۱۳۴۴ خورشیدی، با انتقال مجموعه‌ای از کتاب‌های چاپی و بخشی از نسخه‌های خطی به طبقه سوم مدرسه مرعشیه، با حضوری و بسیاری از علما و مدرسان حوزه علمیه قم کتابخانه جدید گشایش یافت. چهار سال بعد، زمینی به مساحت هزار مترمربع، روبه‌روی مدرسه مرعشیه که کتابخانه در طبقه سوم آن قرار داشت خریداری گردید. در سال ۱۳۹۰ ق/۱۹۷۰ م به دست آیت الله مرعشی کلنگ بنای کتابخانه‌ای بزرگ بر زمین زده شد.

ادامه در صفحه ۵

اشاره: هفتم شهریور سالروز رحلت آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌باشد وی در سال ۱۳۱۵ ق. / ۱۲۷۶ ش. در نجف به دنیا آمد. و شهاب‌الدین نام گرفت. پدرش، آیت الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی (۱۲۷۹ ق. - ۱۳۳۸ ق.) از فقها و مدرسان علوم اسلامی نجف بود. آیت الله مرعشی نجفی دوران کودکی را در آغوش پر مهر خانواده سپری نمود و پس از یادگیری خواندن و نوشتن، در نوجوانی به کسوت روحانیت درآمد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. آیت الله العظمی مرعشی چنان علاقه به یادگیری داشت که سر از پا نمی‌شناخت. سالهای دراز در درس دهها استاد شهیر حوزه علمیه نجف شرکت کرد و از خرمن دانش آنان بهره جست. تلاش شبانه‌روزی وی سرانجام در ۲۷ سالگی به ثمر نشست و به درجه اجتهاد نایل شد. آیت الله مرعشی در نجف، کربلا کاظمین، سامرا، تهران و قم نزد بیش از صد استاد زانوی ادب به زمین زد و از دانش و تقوای آنان استفاده کرد. وی از ابتدای تحصیل به پشتکار

عالی، همت بلند، تقوا، نبوغ و دیگر فضایل اخلاقی شهره بود. ایشان از بسیاری از مراجع تقلید شیعه اجازه اجتهاد گرفتند. آیت الله مرعشی پس از رحلت پدر در سال ۱۳۳۸ ق، برای ادامه تحصیل به کاظمین، سامرا و کربلا رفت و سالها در حوزه‌های علمیه آن دیار، از محضر استادانی برجسته استفاده نمود و سرانجام در سال ۱۳۴۲ ق، برای زیارت مرقد مطهر امام رضا(ع) به ایران آمد. پس از زیارت مرقد امام رضا(ع) به تهران رفت و در حوزه علمیه تهران، نزد آیت الله شیخ عبدالنبی نوری (متوفای ۱۳۴۴ ق.) آیت الله آقا حسین نجم آبادی (متوفای ۱۳۳۴ ق.) آیت الله میرزا طاهر تنکابنی (متوفای ۱۳۶۰ ق.) آیت الله میرزا مهدی آشتیانی (متوفای ۱۳۷۲ ق.) و... به فراگیری فقه، اصول، فلسفه و کلام پرداخت. سال بعد، برای زیارت مرقد حضرت معصومه(ع)، به قم رفت. به دستور آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی در این شهر ماندگار شد. آیت الله مرعشی به دستور آیت الله حائری به تدریس پرداخت. و پس از رحلت آیت الله حائری (۱۳۵۵ ق.) تدریس درس خارج فقه و اصول خود را آغاز نمود و در طول بیش از هفتاد سال تدریس ایشان در حوزه علمیه قم، دانشمندان بسیاری تربیت شدند که شماری از آنان از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کردند. مرجع نستوه شیعه در طول سالیان دراز که مرجعیت تقلید شیعیان را برعهده داشت، خدمات شایانی به جهان اسلام نمود که بدون تردید، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین آثار و میراث علمی ایشان می‌باشد.

محسن آزموده

بالاخره دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه نیز نشستی به مناسبت انتشار اسناد جدید وزارت امور خارجه امریکا پیرامون کودتای ۲۸ مرداد برگزار کرد که در آن سه تن از پژوهشگران تاریخ و سندپژوهان ایرانی درباره جنبه‌هایی از کودتا سخن گفتند؛ اگرچه سخنرانی هیچ يك از این سخنرانان به طور مستقیم به متن این اسناد و محتوای آنها اشاره‌ای نداشت! در حالی که انتظار می‌رفت دست‌کم برخی از این اسناد در این نشست مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت یا ماهیت آنها معرفی می‌شد. در این نشست علیرضا ملایی توانی به برخی پیامدهای ۲۸ مرداد در سیاست ایران اشاره کرد، مسعود کوهستانی نژاد با بی‌اهمیت خواندن محتوای این اسناد و حتی مخدوش دانستن اینکه اینها سند محسوب می‌شوند، بر اهمیت تحولات داخلی تاکید کرد و ضمن کودتا ندانستن ۲۸ مرداد، این موضوع را بی‌اهمیت دانست و تاکید کرد که کل این واقعه را باید در بستر گویش‌ها و گفتمان‌هایی که از بعد از مشروطه رخ داد، باید مورد مطالعه قرار داد و مجید تفرشی نیز به موضوع دیپلماسی عمومی و جای خالی آن به ویژه در دومین دولت دکتر مصدق پرداخت و از این موضوع به شرایط امروز نقب زد:

مسائل اصلی پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد

علیرضا ملایی توانی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی

علیرضا ملایی توانی در آغاز، بحث خود را متفاوت با مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته خواند و آن را از سنخ مبحث مربوط به چگونگی و علل و اسناد و مدارك این رخداد



متفاوت دانست و گفت: بحث اصلی من راجع به پیامدها و مسائلی است که ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد با آنها دست به گریبان شد، یعنی مسائلی که در زندگی امروزین ما نیز دخالت دارد. در رایان سپهر (فضاهای مجازی) مباحث گوناگونی راجع به تاریخ معاصر ایران می‌شود و در یکی - دو سال گذشته نیز بحث‌های مفصلی راجع به ۲۸ مرداد صورت گرفته است و در محافل علمی نیز بحث کودتا با اقبال عمومی زیادی مواجه شده است. این نشان‌دهنده اهمیت موضوع کودتا است. با گذر ۶۴ سال از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ امروز مباحث جدیدی از رویکردهای نوین مطرح شده است. در تاریخ معاصر ما واقعه با عنوان کودتا مطرح شده است، کودتاهاى اول به توپ بستن مجلس توسط محمد علی شاه و کودتای دوم تعطیل مجلس دوم مشروطه است. این دو کودتا آثار بلندمدتی بر جای گذاشته‌اند. ملایی گفت: به دو شکل می‌توان از کودتا بحث کرد؛ نخست اینکه ببینیم چه نوع ایده‌ها، برداشت‌ها، رویکردها، رهیافت‌هایی درباره کودتا در محافل فکری، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی ما شکل گرفته است و این ایده‌های مختلف منجر به اختلاف برداشت‌ها شده است. انبوهی از روایت‌ها و برداشت‌ها از کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفته است و با نقد این ایده‌های موجود می‌توانیم يك گام به پیش بگذاریم و نقصان‌ها و کاستی‌ها را بشناسیم. در مورد این کودتا شاهد روایت انگلیسی‌ها، روایت آمریکایی‌ها، روایت رسمی حکومت پهلوی، روایت حزب توده و جریان چپ، روایت اپوزیسیون حکومت پهلوی،

نگاهی بر حوادث ۲۸ مرداد

دیدگاه چند پژوهشگر تاریخ معاصر



از آن هم گفتند کودتا شد. تا کی می‌خواهیم نشان دهیم که واقعا چه چیزی رخ داد؟ اما آیا این مدارکی که منتشر شده را می‌توان سند نامید؟ حداکثر چیزی که گفته شده این است که فرد چون نخست‌وزیر شده به او کمک نظامی کنیم و به او وام بدهیم. آیا این را کودتا می‌خوانید؟ شاید هم می‌خواهیم چیزی را پنهان کنیم تا اصل موضوع مطرح نشود. کوهستانی نژاد گفت: تا ۲۷ مرداد سراسر ایران زیر پا کوب نیروهای سیاسی چپ است و مرگ بر شاه می‌گویند. اما چه شد که طی ۱۲ ساعت همه چیز عوض شد؟ نظریات و گویش‌ها عوض شد. تا کی می‌خواهیم بر طبل نفرت بزنی؟ اگر بحث کودتا است که از يك و نیم سال قبل همه می‌گفتند دارد کودتا می‌شود. اگر بحث این است که از پیش از آن مطرح شد. اما کسی به این نمی‌پردازد که چه شد اندیشه مجلس نابود شد و کارایی و کارآمدی آن را از آن گرفت؟ همان مجلسی که ماجرای نفت را پیش برد. ۶۴ سال است که این بختک دست از سر مردم برنمی‌دارد. بنابراین بحث اصلی کودتا نبود. بله، البته تحول عظیمی در کشور شکل گرفت که بیش از آنکه بر پایه اراده خارجی باشد، بر پایه تحولات و اختلافات داخلی استوار بود. این براساس دو نگرش بزرگی بود که در کشور وجود داشت. يك نگرش مشروطه‌طلب که از دوران رضاشاه رو به افول گذاشت و دیگری نگرش اقتدارگرایی و دولت صالح که باز از دوران رضاشاه مطرح شد. این دو نگرش با هم درگیر شدند. اگر در این چارچوب به قضیه بنگریم تفاوت نمی‌کند که دولت مصدق باشد یا کس دیگری باشد. دولت اینجا اصل بود.

این برگه‌ها از نظر علمی سند نیست

کوهستانی تاکید کرد: آنچه سند تاریخی کودتا خوانده می‌شود، از نظر علمی سند نیست بلکه اظهارنظر است. سند شرایطی دارد که بشود به آن استناد کرد. این اسناد نمی‌گویند که آن روز کودتا شد، بلکه تحولی بود که از مدت‌ها قبل شروع شده بود. نقطه پایانی‌اش این روز بود. اما خود تحول مهم نیست بلکه اصل این است که در این دوره ۲ ساله رویدادی که رخ داد، اندیشه مشروطه از بین رفت. منظور از اندیشه مشروطه، اندیشه مجلس و اندیشه اعتماد به رای مردم و نماینده مردم بود. همین اندیشه بود که مجالس را از مجالس چهاردهم تا هفدهم به وجود آورد، مجلسی که ملی شدن نفت را به وجود آورد. این نمایندگان مجلس بودند که به مصدق رای دادند. همین نمایندگان مجلس بودند که به اختیارات دکتر مصدق رای دادند. همین مجلس بود که در تیرماه ۱۳۳۱ از مصدق حمایت کرد و او را بعد از استعفا بازگرداند. همین مجلس بود که وقتی در اسفند ۱۳۳۱ به خانه دکتر مصدق حمله کردند، از او پشتیبانی کرد و او را روی کار آورد. چه کسی این مجلس را نابود کرد. این اندیشه مشروطیت بود. بعد از آن اندیشه دولت‌سالاری حاکمیت یافت. دولت حاکمیت یافت و پول نفت هم که براساس قانون دولتی شدن به دولت می‌رسید، به آن کمک کرد. قبل از آن چنین چیزهایی نداشتیم. این رویدادها اتفاق افتاد و ما آنها را در نظر نمی‌گیریم و دعوی حیدری - نعمتی درست می‌کنیم و مدام می‌گوییم مصدق و کاشانی.

چرا مردم ۲۸ مرداد نیامدند؟

کوهستانی نژاد گفت: دکتر مصدق آدم بسیار محترم و از رجال بسیار بزرگ ایران بود که همان‌گونه که بزرگ بود، خطایش نیز بزرگ بود. آنچه در ۲۸ مرداد رخ داد، از نظر بنده کودتا نبود، سلسله وقایعی بود که از يك و نیم سال قبل با توجه به مسائل داخلی و به ویژه با توجه به مسائل جهانی در ایران شروع شد. البته خارجی‌ها نیز در

و در این تنازع نیز در نهایت سلطنت شکست می‌خورد. وی غیردموکراتیک شدن گفتمان‌های سیاسی تاریخ ایران را دیگر پیامد ۲۸ مرداد خواند و گفت: نیروهای سیاسی غیرمذهبی نتوانستند ایده جایگزینی برای مشروطیت ایران ارایه کنند در حالی که نیروهای مذهبی گفتمان جایگزین ارایه می‌کنند. مطالعات جدی از سوی روشنفکران درباره ایران صورت نگرفت و تنها کوشش جدی توسط مصطفی رحیمی ارایه شد در حالی که همزمان مرحوم امام خمینی (ره) مدل ولایت فقیه را ارایه و نظریه‌پردازی می‌کند. در نهایت نیز کنشگری فعالانه غرب و به خصوص امریکا بعد از کودتا در ایران باعث شد که روابط به سمت منازعه پیش برود و ما امروز به جای گفت‌وگوهای نقادانه شاهد ضدیت و نفرت از غرب هستیم.

کودتا بود یا نبود

مسعود کوهستانی نژاد
مورخ و پژوهشگر

مسعود کوهستانی نژاد دیگر سخنران این نشست بود که در آغاز بنا بود راجع به تاثیر تحولات بین‌المللی بر روند رویدادهای داخلی ایران در دوره دکتر مصدق صحبت کند، اما موضوع بحث خود را عوض کرد و گفت: در ابتدا تصور این بود که بحث اصلی در وزارت امور خارجه راجع به مباحث دیپلماتیک و روابط بین‌الملل و... است. اما فکر می‌کنم نگفتن بعضی مسائل ظلم است. نخست اینکه بنده تعجب می‌کنم کسانی که صحبت راجع به کودتای ۲۸ مرداد می‌کنند، کدام گفت‌وگو را انجام داده‌اند؟ کدام سندی از کودتا تا الان منتشر شده است؟ کودتا تعریفی دارد. آیا تمام تحولات ایران را می‌شود با توجه به ۳ روز مطرح کرد. ما درباره اسناد صحبت می‌کنیم، اما سند در علم تاریخ تعریف دارد. اظهارنظر بنده را نمی‌شود سند نامید. چه کسی گفته اینها سند تاریخی است؟ سند قواعدی دارد و تاریخ امری بی‌درو پیکر نیست. براساس مدارکی که منتشر شده معتقدم آنچه در ۲۸ مرداد رخ داد کودتا نبود. اسناد هم این را نشان می‌دهد. همه بحث‌ها راجع به ۴ روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد است. چه اتفاقی در این روزها برای مشروطیت ایران افتاد؟ چه کسی مجلس را منهدم کرد و مشروطیت را از بین برد؟ چه کسی با گرفتن اختیارات مجلس را فلج کرد؟ مگر مشروطیت شوخی سیاسی است؟ آیا از ۲۵ تا ۲۸ مرداد فصل الخطاب تاریخ ایران است؟ مگر می‌شود در طول ۴ روز همه چیز تغییر کند؟ مگر چنین چیزی امکان دارد؟ هرچند وقت نیز ۴ برگ منتشر می‌شود، باز مباحث جدیدی مطرح می‌شود. این بختک ۶۴ ساله را کی می‌خواهیم از مغز مردم پاک کنیم؟ تا ۲۵ سال بعد از آن مدام از قیام ملی سخن می‌گفتند و ۲۰-۱۰ هزار نفر را به عنوان يك میلیون و دویست هزار نفر به خورد مردم دادند و اجلاسیه گرفتند. بعد

ایران از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از ناکارآمدترین دوران خودش را سپری کرد. اگر دکتر فاطمی وزیر امور خارجه نبود، سرمقاله‌های آتشینش در سه روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد در باختر امروز و سخنرانی هتاکانه‌اش در میدان بهارستان در ۲۵ مرداد اثرگذار بود، اما در مقام رییس دستگاه دیپلماسی یک نظام پارلمانی مشروطه سلطنتی ایران روز ۲۶ مرداد به مصدق پیشنهاد جمهوری می‌دهد که این کار کمی به بقای دولت مصدق و پیشبرد اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت نمی‌کند. در ماه‌های پایانی به خصوص ۶ ماه پایانی از ۹ اسفند ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وزارت امور خارجه و دستگاه نخست‌وزیر متوجه این نشد که افکار عمومی بین‌المللی دیگر توجهی به مساله ایران و منافع ایران ندارد. دستگاه‌های تبلیغاتی بریتانیا و آمریکا جو را دگرگون کرده‌اند و عواطف جهانی پشت سر ما نیست. سه واقعه مهم در عرصه جهانی رخ داد که دولت مصدق نه فقط نسبت به آنها غافل ماند، بلکه توجهی به تأثیرگذاری شگرف آنها بر روند مساله نفت نداشت: مرگ استالین که باعث دعوا در هیات حاکمه شوروی شد و توجه ایشان را از ایران کم کرد، دوم تغییر قدرت در هیات حاکمه بریتانیا و روی کار آمدن مجدد چرچیل و حزب محافظه‌کار، به ویژه که چرچیل بیمار بود و اطرافیانش از او نسبت به ایران تندروتر بودند، سوم تغییر قدرت در آمریکا و روی کار آمدن آیزنهاور و جمهوریخواهان تندرو به جای ترومن که به هر حال به نوعی خودش و اطرافیانش دوست داشتند با ایران تعامل کنند. اندیشه تغییر رژیم (regime change) در آمریکا و بریتانیا همیشه وجود داشت، اما در ۶ ماه آخر دست بالا را گرفت.

نادیده گرفتن تحولات جهانی

تفرشی در پایان گفت: دولت ایران این وقایع مهم را که شاکله نگرش جهانی نسبت به ایران را تغییر داد، نادیده گرفت؛ مسائل داخلی اولویت یافت و ایران به جای توجه به شطرنج سیاسی بین‌المللی درگیر فوتبال سیاسی داخلی شد. البته با آقای کوهستانی نژاد کاملاً موافق هستم که در مسائل داخلی مساله انحلال مجلس هفدهم و رفتارندومش یکی از بزرگ‌ترین خطاهای سیاسی تاریخ ایران و بزرگ‌ترین اشتباه دکتر مصدق است که نخستین متضرران نیز خودش بود و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را توجیه کرد. بنابراین در روزهای پایانی بریتانیا و آمریکا همنظر می‌شوند. در یک مدت طولانی برای آمریکایی‌ها مساله جنگ سرد و حزب توده اولویت داشت و نفت در وهله دوم بود و برای انگلیسی‌ها بالعکس. در این دوره اولویت این دو کشور یکی می‌شود و هر دو به این نتیجه می‌رسند که دولت مصدق مصالحه‌پذیر نیست و باید براندازی شود. جایی که قدرتمندان بین‌المللی متفق شوند که کشوری مصالحه‌ناپذیر است، مرحله خطرناکی است. از این رو می‌خواهم در پایان به مساله‌ای مربوط به امروز اشاره کنم. توافق برجام نیز از افتخارات تاریخ ایران است و کار شرافتمندانه این است که برای آن کف زد و هورا کشید. اما بعد از تحولاتی که در ماه‌های اخیر در آمریکا و بریتانیا و اتحادیه اروپا و ایران رخ داده، خوابیدن در باد برجام و اینکه تصور کنیم که همچنان باد همسوی بادبان ما می‌وزد و جامعه بین‌المللی همچنان با ما دیگری در سال‌های اخیر نیاز به پوست‌اندازی در دستگاه بین‌المللی در ایران و در تحولات بین‌المللی و توجه جدی به دیپلماسی مردم محور و غیرمتعارف برای پیشبرد اهداف ملی ایران است.

منبع: اعتماد

در کشورهای مختلف سراسر جهان حتی در مناطق نیمه‌مستعمره و مستعمره از جنبش ملی شدن صنعت نفت در برابر استعمار بریتانیا هستیم. حتی در خود بریتانیا حرکت‌هایی در ایرلند (شمالی و جنوبی) و حتی داخل بریتانیا و پارلمان‌اش احساس همگرایی و دلواپسی نسبت به ملی شدن صنعت نفت وجود دارد. دستگاه دیپلماسی ایران نیز از این مساله به خوبی استفاده می‌کند، در دیپلماسی کلاسیک ایران دیپلمات کارکشته‌ای به نام باقر کاظمی قرار دارد که از زمان احمدشاه در بالاترین سطوح دیپلماسی بوده است. دستگاه دیپلماسی ایران به درستی از این جو عمومی استفاده می‌کند و از ۴ لایه مذکور یعنی سیاستمداران، نخبگان، رسانه‌ها و افکار عمومی استفاده می‌کند و سوای پیروزی‌هایی که در لایه و شورای امنیت به دست می‌آورد، از نظر فتح قلوب و اذهان مردم نیز موفق است. یعنی ۲۵ تیر ۱۳۳۱ ایران یک پیروزی معنوی نیز به دست می‌آورد، یعنی جنبش ملی شدن صنعت نفت به احساسات و عواطف و وجدان بین‌المللی بدل می‌شود. این، دولت بریتانیا را در گوشه رینگ قرار می‌دهد. روزنامه‌های انگلیسی آن دوره را اگر ورق بزنید، شاهد تلاش برای این هستیم که ایرانیان را زیاده‌خواه نشان دهند و حق ما را خورند و... اما افکار و وجدان عمومی جامعه این تبلیغات را نمی‌خورد. برای نخستین بار در تاریخ بی‌بی‌سی که مستقیماً وابسته به وزارت امور خارجه بریتانیا است، شاهدیم که کارمندان بخش فارسی اعصاب می‌کنند، زیرا حاضر نمی‌شوند افکار تحمیلی و فرمایشی علیه ایران را بخوانند. این را در مصاحبه عباس دهقان با خود بی‌بی‌سی فارسی می‌توان دید، او می‌گوید ما کنار رفتیم و عده‌ای از وزارت امور خارجه بریتانیا که فارسی بلد بودند، با لهجه عجیب و غریب اخبار خواندند تا ما نتوانستیم به ایشان بقبولانیم که هر اخبار دروغی را نمی‌خوانیم. این نشان‌دهنده تأثیر نفوذ ایران از طریق دیپلماسی‌های غیرمتعارف است. تفرشی در ادامه به دوره ۲۵ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ اشاره کرد و گفت: در این دوره مرحوم دکتر مصدق به گفته خودشان بر اساس یک ارزیابی نادرست استعفا می‌دهد و به خانه می‌رود. خیلی احتمال داشت که دولت مصدق بازنگردد. در جبهه ملی نیز این نظر بود که نیازمند یک نیروی تازه‌نفسی مثل الهیار صالح هستیم که مورد توافق ضمنی آمریکایی‌ها، روی کار بیاید و این بن بست کشمکش مذاکرات ادامه یابد و نهضت به پایان نرسد. اما جبهه ملی در این ۵ روز کاری نمی‌کند و ۹۰ درصد بار بازگشت مصدق بر دوش طرفداران آیت‌الله کاشانی و بقایی است. اینها مردم را بسیج می‌کنند، البته هدف‌شان بازگشت مصدق است و نثار با مصدق خیلی کمتر از بعد از آن است. بعد از ۳۰ تیر هم مصدق و هم کاشانی به دلایل مختلفی به این نتیجه می‌رسند که بدون یکدیگر می‌توانند راه را ادامه دهند. دکتر مصدق تصور می‌کرد نیازی به اشتراک سیاسی نیست و حامیان‌اش را می‌تواند با یک احسنت و سیاستگرایی راضی کند و به خواسته‌های‌شان توجه نکند. کاشانی هم سهم خواهی داشت، زیرا نخست‌وزیر کناره‌رفته را برگردانده بود. او مشارکت می‌خواست و مخالفانش می‌گویند این مشارکت توصیه و مداخله و... بوده است، اما به هر حال در دنیای زمینی سیاست حرف او غلط نبوده و به هر حال دولت باید ائتلافی می‌بود. از سوی دیگر کاشانی فکر می‌کرد بود و نبود مصدق دست اوست و سوءمحاسبه داشت.

اشتباه در انتخاب وزیر امور خارجه

تفرشی گفت: بعد از آشکار شدن این اختلافات داخلی اتفاق مهمی در دستگاه دیپلماسی ایران رخ می‌دهد. سخنگوی دولت که عنصری انقلابی و تندروترین جناح هیات حاکمه بود، یعنی مرحوم دکتر سید حسین فاطمی، وزیر خارجه شد. این برای دیپلماسی کشور آغاز یک دوره انحطاط است. دکتر فاطمی برای ما یک قهرمان ملی است، به خاطر مبارزات، اهداف عالی، مقاومت در زندان و شهادت مظلومانه‌اش. اما دستگاه دیپلماسی

وی در ادامه به بحث از دیپلماسی عمومی (public diplomacy) یا به تعبیر دقیق‌تر «دیپلماسی مردم محور» پرداخت و گفت: این اصطلاح را انگلیسی‌ها در دهه ۱۹۶۰ (بعد از ۲۸ مرداد) رواج دادند، اما مفهوم آن از ابتدای قرن نوزدهم وجود داشته است. سفارت بریتانیا در آغاز قرن نوزدهم در تهران دبیر و کنسول شرقی تعیین کرد که کار او ارتباط با لایه‌های غیرحکومتی بود و این همان دیپلماسی عمومی است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ نیز چنان که در ۴۰-۵۰ هزار برگ سند منتشر شده در ۵ هفته اخیر در بریتانیا راجع به سال ۱۹۸۶ و جنگ ایران و عراق آمده، تعبیر جدید دیپلماسی غیرمتعارف (nonconventional diplomacy) را دیدیم که البته رویه‌اش جدید نیست که بحث آن این است که از چه راه‌های غیرمتعارف دیپلماتیکی می‌توان مساله را حل کرد؛ امری که این روزها مصالحه یا مذاکره یا تعامل خوانده می‌شود.

تفرشی همچنین تعبیر دیپلماسی عمومی را متفاوت از تعبیری که در دولت‌های هشتم و نهم به کار می‌رفت دانست و گفت: در این دوره وزارت امور خارجه تغییر ساختاری داد و نام دستگاه وابسته مطبوعاتی را «مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه» نامید. این تعبیر بدون در نظر گرفتن اصل اولیه مفهوم دیپلماسی عمومی به کار رفت، زیرا دیپلماسی عمومی به معنای ارتباط با ۴ لایه از افراد و گروه‌ها یعنی سیاست‌ورزان، نخبگان، رسانه‌ها و افکار عمومی از راه‌های غیردیپلماتیک و توسط غیردولتی‌ها است. با توجه به این تعریف وقتی وزارت خارجه بخواهد این کار را بکند، اصولاً نقض غرض رخ می‌دهد. دیپلماسی عمومی توسط غیردولتی‌ها و صد البته با حمایت و نظارت و اجازه دولت ممکن می‌شود. دیپلماسی عمومی و نامتعارف کاری است که دولت‌ها و نظام‌ها و حکومت‌ها توسط غیرخودشان برای حفظ منافع و مصالح کشور انجام می‌دهند. در این زمینه اسراییلی‌ها و اعراب بسیار موفق عمل می‌کنند. در جریان مذاکرات برجام شاهد بودم که این کشورها به بیش از ۳۰ موسسه حقوقی بزرگ دنیا پول می‌دادند، بدون اینکه توقعی از آنها داشته باشند و با آنها قراردادی ببندند تا در زمان بزننگاه بر اساس قاعده «پول است که حرف می‌زند» (money talks) از این اتاق فکرها و اندیشکده‌ها کار بخواهند.

ادوار نهضت ملی

تفرشی در ادامه به دوره ۴ ساله بین آغاز ۱۹۵۰ تا پایان ۱۹۵۳ یعنی سال‌های نهایی و اوج مبارزات ملی شدن صنعت نفت پرداخت و گفت: در این ۴ سال ده دوره تاریخی داریم که فراز و نشیب آنها به نوع دیپلماسی عمومی ایران در خارج ربط دارد، این دوره‌ها عبارتند از: ۱. قبل از ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹؛ ۲. مبارزات ملی شدن که منجر به تصویب لایحه ملی شدن در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ می‌شود؛ ۳. دوره کوتاه از ملی شدن صنعت نفت تا نخست‌وزیری دکتر مصدق؛ ۴. دوره اول صدارت دکتر مصدق تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱ و استعفای مصدق؛ ۵. پنج روز بحرانی ۲۵ تیر تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و آغازی بر یک پایان است؛ ۶. ۳۰ تیر تا ۹ اسفند ۱۳۳۱ که شاهد آشکار شدن شکل‌بندی سیاسی جدیدی هستیم؛ ۷. ۹ اسفند ۱۳۳۱ تا ۲۳ تیر ۱۳۳۲ که اوج بروز نگرانی‌های حضور و نفوذ حزب توده در تحولات سیاسی ایران است؛ ۸. ۲۳ تیر تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲؛ ۹. ۲۵ مرداد تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ ۱۰. وقایع و تحولات بعد از ۲۸ مرداد.

از فتح اذهان جهان تا گرفتاری در جدال‌های داخلی

وی گفت: در دوره اول صدارت دکتر مصدق ایران با احساسات و جو عمومی مثبت بین‌المللی در مساله ملی شدن صنعت نفت مواجه بود. یعنی شاهد حمایت جانبدارانه و دلسوزانه نهضت‌ها و جنبش‌های ضداستعماری و ملی‌گرا و آزادیخواهان

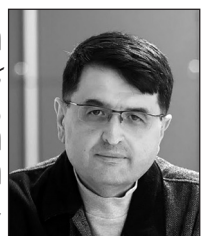
آن دخالت داشتند و دنبال منافع‌شان بودند. اما خارجی‌ها در همه مسائل دیگر هم دخالت داشتند. البته تحولات خارجی بود و ایشان دنبال منافع‌شان بودند. اما با استفاده از اختلافات و مسائل داخلی. اینها را باید شناخت.

وی در پایان گفت: ما باید به تاریخ و سند احترام بگذاریم و هر آنچه مطابق میل مان است را سند بدانیم و آنچه مخالف ما است را کلاً نادیده بگیریم. در مجموع راجع به اسنادی که اخیراً منتشر شده و من ترجمه‌اش را دیده‌ام متوجه شدم که هیچ گویش و گفتمان جدیدی پدید نیامده است بلکه هیاهویی است که شروع شده و اسم این هر چه باشد گوی و گوی علمی نیست. بیاییم یک بار بحث کنیم که چه شد که حتی ۴ نفر از مردمی که در سالگرد ۳۰ تیر یعنی در ۳۰ تیر ۱۳۳۲ گرد هم آمدند، در ۲۸ مرداد در دفاع از مصدق نیامدند؟ تنها گزارشی که از درگیری هست، مربوط به درگیری تعداد کمی جلوی بازار است. الباقی کجا هستند؟ بنابراین این اسناد و مدارک منتشر شده بیش از هر چیز اظهارنظر است و این را بیان می‌کند که در ایران تغییر رخ داده و این تغییر مطابق منافع غرب و آمریکا و انگلیس است. اما آیا این تغییر به معنای کودتا است؟ اگر آموخته‌های دانشگاه‌های ما اینجا به درد نخورد، کجا به درد می‌خورد؟

دیپلماسی کلاسیک و دیپلماسی مردم محور

مجید تفرشی

پژوهشگر و سندپژوه



مجید تفرشی در ابتدای بحث تأکید کرد که دعوا بر سر نام‌گذاری واقعه ۲۸ مرداد مهم است، اما نباید ما را از مسائل مهم‌تر نیز غافل کند و در ادامه به تفسیرهای متفاوت از این واقعه از سوی جناح‌های مذهبی، ملی و چپ اشاره کرد و گفت: جناح‌های مختلف در تفسیر این واقعه می‌کوشند مقدس‌نمایی کنند و دیگران را نادیده بگیرند. بحث ۲۸ مرداد به شکل عجیبی با فوتبال سیاسی داخلی ما در ایران عجین شده است. هنوز اسناد جدید به طور کامل آزاد نشده، دو نگاه متناظر شکل گرفته است، یعنی عده‌ای می‌گویند این اسناد بی‌اهمیت و کاملاً بی‌ارزش است و دیگران می‌گویند ایهاالناس همه چیز روشن شد و اسم خیابان‌ها را عوض کنید! در حالی که هنوز یک صفحه آن را کسی نخوانده است. این دو نگاه بر اساس منویات و دعوای سیاسی روز شکل گرفته است. ما در ۲۸ مرداد با شماری قدیسین مواجه هستیم و جناح‌های مختلف در این واقعه کشته داده‌اند، از کشته‌شدگان حزب توده تا شهدای فداییان اسلام و مرحوم دکتر فاطمی و حتی بعد از انقلاب چند تن از امرای ارتش پهلوی که به خاطر دست اندرکار بودن در این قضیه اعدام شدند. این کشته‌شدگان از جناح‌های مختلف باعث می‌شود که بحث آزادانه دشوار شود و تاریخ‌نویسی که بخواهد منصفانه و بی‌رحمانه واقعه را روایت کند، دچار مشکل می‌شود. تفرشی در ادامه گفت: اختلاف نظر مهم دیگر این است که برخی محققان مثل دوست من آقای بیرواند آبراهامیان معتقدند تحولات داخلی آنچنان تأثیری در مساله ۲۸ مرداد و کودتا نداشته و هرچه رخ داد ناشی از تحولات داخلی است. برعکس گروهی محققان مثل آقای کوهستانی نژاد تأکیدشان بر تحولات داخلی است و تحولات خارجی را مکمل ارزیابی می‌کنند. این دو نگاه در طول ۶۴ سال گذشته وجود داشته است. همچنین در بررسی مساله ۲۸ مرداد آنچه مغفول واقع شده این است که ضمن توجه اهمیت تاریخی بحث، چه استفاده کاربردی (applicable) از آن می‌توان برای مسائل امروز و فردای ایران بر اساس منافع ملی و مصالح نظام اخذ کرد.

دیپلماسی مردم محور

در موقع اقامت نویسندگان در ترکیه، نائب رئیس امور دینی ترکیه، آقای «محمدیشارتور اوغلو» طی یک مصاحبه رسمی مطبوعاتی، درباره وضع مساجد و امور دینی در ترکیه، اطلاعات جالب زیر را در اختیار خبرنگاران قرار داد که در مطبوعات ترکیه و جهان اسلام منتشر گردید:

از ۱۵ سال پیش، طبق قانونی «مرکز امور دینی اسلامی در ترکیه» به وجود آمد که به وضع ۶۳ هزار مسجد موجود در ترکیه نظارت دارد. از این تعداد، ۳۵ هزار مسجد در روستاها و بقیه در شهرها و استان های کشور قرار دارد. این مرکز اسلامی به ۲۳ هزار پیشنماز و خطیب در شهرها و ۸۰ هزار در روستاها حقوق می پردازد و همه این افراد از فارغ التحصیلان مدار مخصوص علوم اسلامی هستند که هر سال ۲۰ پیشنماز و خطیب و فارغ التحصیل دارد.

مؤذنین مساجد باید در مدارس حفظ قرآن دوره مخصوصی را دیده باشند. در ۵۸ مدرسه متوسط دینی ترکیه، هم اکنون ۳۰ هزار دانش آموز مشغول تحصیل هستند که پس از پایان تحصیل، حقوق کافی از مرکز امور اسلامی دریافت خواهند داشت. و البته فارغ التحصیلان این مدارس، می توانند در دانشکده های پزشکی، حقوق، ادبیات و علوم دانشگاه های کشور نیز شرکت کنند و به تحصیل بپردازند.

در ترکیه امروز، چهار مرکز عالی اسلامی، وابسته به دانشگاه های کشور، وجود دارد که دوره آن برای فارغ التحصیلان مدارس متوسطه دینی، چهار سال است.

در ترکیه ۳۴۴۴ مدرسه برای حفظ قرآن کریم وجود دارد که هم اکنون ۱۳۶ هزار محصل در آنها مشغول تحصیل و یادگرفتن و حفظ قرآن مجید هستند. مخارج هزار مدرسه از این مدارس را مرکز امور اسلامی می پردازد و بقیه به وسیله جمعیت های خیریه دینی و ملی، اداره می شوند. زیرا از جمعیت های خیریه دینی متجاوز از هزار سازمان، برای ساختمان مساجد و نظارت بر مدارس حفظ قرآن، کمک های لازم را می کنند. بودجه مرکز امور اسلامی ترکیه در سال گذشته ۱۰۸۴ میلیون لیره ترک (هر لیره ترک معادل ۶ ریال ایران است) و بودجه جمعیت های خیریه اسلامی در این حساب، منظور نشده است.

بنا به طرحی که هم اکنون در دست اجرا است، به زودی مدارس خطباء و پیشنمازان در ترکیه، از ۵۸ به ۱۲۰ مدرسه افزایش خواهد یافت. و اخیراً به دختران مسلمان نیز اجازه داده شده است که با حفظ حجاب اسلامی، در مدارس حفظ قرآن، ثبت نام نمایند و هم اکنون گروه زیادی از دختران مسلمان، در این مدارس مشغول آموختن تعلیمات دینی هستند.

در موقع اقامت نویسندگان در ترکیه، یک انستیتوی عالی اسلامی، در شهر معروف ازمیر IZMIR به وسیله مقامات رسمی کشور افتتاح شد برای تاسیس این انستیتو که دارای سالن کنفرانس، کتابخانه، مسجد، مسکن و محل خواب برای دانشجویان می باشد، ده میلیون و ۲۵۰ هزار لیره ترک خرج شده است و در سال اول خود، ۱۰ دانشجو برای تحصیل پذیرفت.

به موازات این کوشش های اسلامی، خوش بختانه مرکز اسلامی، به نشر و تجدید چاپ یا ترجمه کتاب های قدیم و جدید اسلامی همت گماشته و با قیمت بسیار مناسبی آنها را در اختیار عموم قرار می دهد. علاوه بر ترجمه و چاپ نشر

کتاب های تفسیر و حدیث و فقه، در سه سال گذشته متجاوز از ۶۰ کتاب اسلامی از نویسندگان و متفکران جهان اسلام مانند: سید قطب، ابوالاعلی مودودی، محمد قطب، ابوالحسن ندوی و دیگران، به زبان ترکی ترجمه گشته و با حروف لاتین! چاپ شده که مورد استقبال شدید نسل جوان ترکیه قرار گرفته اند.

برای نمونه باید گفت که ترجمه کتاب «الداله الاجتماعیه فی الاسلام»: عدالت اجتماعی در اسلام. تالیف سید قطب تا کنون سه بار و هر بار در ده هزار نسخه چاپ شده و نسخه های آن باز نایاب گشته است و علاوه بر این کتاب ها، ده ها کتاب و رساله اسلامی توسط نویسندگان اسلامی خود ترکیه تالیف و منتشر شده که برای هر ناظری، نشان دهنده آینده امیدبخش می توانند باشند.

در ترکیه، در چند سال اخیر ده ها کتاب اسلامی از عربی و انگلیسی به زبان ترکی ترجمه و چاپ شده و با استقبال شدید مردم و نسل جوان روبه رو شده است، در اینجا بی مناسبت نیست که به این نکته نیز اشاره کنیم که در ترکیه امروز، به موزات کوشش های اسلامی رسمی، از طرف گروه های ملی و اسلامی غیر رسمی و نیز فعالیت های وسیعی در راه نشر اسلام به عمل می آید و کثرت و تعداد مطبوعات اسلامی، خود می تواند نشان دهنده عظمت جنبش اسلامی جدید ترکیه باشد.

مطبوعات اسلامی ترکیه در مقیاس بسیار وسیع و به قیمت بسیار مناسبی. به علت کمک های مردم و چاپ آگهی. در اختیار عموم قرار می گیرد، مثلاً روزنامه مستقل و اسلامی بوگون BUGUN (امروز) که در متجاوز از ۸۰ هزار نسخه به طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می گردد، به قیمت ۳ ریال به فروش می رسد. اینجانب در ضمن بازدید از اداره این روزنامه و پس از مصاحبه مبسوط درباره مسائل اسلامی (که در صفحه اول آن روزنامه منتشر گردید) متوجه شدم که اکثریت کارمندان و نویسندگان این جریده اسلامی، جوانان مسلمان و پرشوری هستند و صاحب امتیاز و مدیر آن آقای محمد شوکت جوانی به سن تقریباً ۳۵ سال است.

علاوه بر روزنامه «بوگون» روزنامه «صبح» SABAH (صبح) نیز که یک روزنامه اسلامی است، به طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می گردد. روزنامه هفتگی «اتحاد» ITTIHAD نیز در متجاوز از ۴۰ هزار نسخه، در چندین رنگ چاپ می شود. و از طرف علویان ترکیه، که می گفتند تعداد آنان بالغ بر ۱۲ میلیون نفر در سراسر کشور می گردد و حزبی به نام «اتحاد» (بیرلک پارتی سی) تشکیل داده اند، هفته نامه ای به نام «اهل بیت یولو» EHL-I BEYT YOLU (راه اهل بیت) منتشر می شد و پس از توقیف آن، اکنون روزنامه «اهل بیت یونو» EHL-I BRYT UONU را منتشر می سازند. روزنامه دیگری هر پانزده روز یک بار به نام «الهی نور» ILAHI NUR (نور خدا) در آنکارا چاپ می شود.

گذشته از روزنامه های یومیه و هفتگی و دوهفتگی اسلامی، ماهنامه های اسلامی زیادی نیز در ترکیه، در تیراژ بسیار وسیعی، همه ماهه چاپ و منتشر می گردد که از آن جمله است مجله های ماهانه «هلال» HALIL و «حق سس» HAK SES (صدای حق) و «سونمز» SONMEZ (خاموش نمی شود) و «اسلام مدینتی» ISLAM MEDENIYETI (تمدن اسلامی) و «حرکت» HAREKET (نهضت) و «اکو» ISLAMIN ILK EMRIOKU (نخستین امر اسلام: بخوان) و

ترکیه و اسلام

همچنین نشریه سه ماهه و تئوریک و علمی «اسلام دوشونجه سی. ISLAM DUSUNCESI» (ارزیابی اسلام).

اینها نمونه هایی از نشریات و مجلاتی بود که ما توانستیم در مدت اقامت کوتاه خود در ترکیه، آنها را به دست آوریم و بی شک مطبوعات و مجلات اسلامی دیگری نیز در کشور برادر ما ترکیه، چاپ و منتشر می گردد که متأسفانه فرصت کوتاه ما، اجازه نداد که از آنها آگاه شویم.

مسجد ایرانیان

از ده ها سال پیش، هزاران نفر از ایرانیان مسلمان، به قصد تجارت به کشور ترکیه رفته و در همانجا مقیم شده اند. قسمت اعظم این عده که سابقاً بالغ بر پنج هزار نفر می شدند، در استانبول ISTANBUL اقامت داشتند و برای برپا داشتن مراسم مذهبی خود، مسجدی در استانبول ساخته اند که اکنون هم به «مسجد ایرانیان» معروف است.

از چند سال پیش به اینطرف، امامت و امور دیگر مذهبی ایرانیان مقیم استانبول، توسط یکی از دانشمندان حوزه علمیه قم حضرت آقای احمد صابری همدانی. اداره می شود. ایشان علاوه بر امور مذهبی، کوشش های قابل تقدیری در تماس با علمای اهل سنت، برای آشنایی آنان با تشیع، به عمل آورده و سعی دارد که گروه بزرگ علوی های ترکیه هم با تعلیم صحیحی اسلامی آشنا شوند.

در اثر کوشش هایی که توسط ایشان انجام شده، در چند سال اخیر تعمیرات لازم در این مسجد به عمل آمده و کتابخانه آن تا حدود قابل توجهی، تکمیل شده است. ولی این کتابخانه که «کتابخانه اهل بیت» نام گرفته و در طبقه دوم مسجد قرار دارد، نیازمند توجه و همت اهل خیر است تا از نظر کیفیت و کمیت کتاب، وضع بهتر و آبرومندتری پیدا کند.

در چند سال گذشته چند نشریه در معرفی تشیع، به زبان ترکی چاپ و در ترکیه منتشر شده است که از آن جمله است: CAF EIR MEZHEBI VE EASSLARI (ترجمه اصل الشیعه مرحوم کاشف الغطاء) و: «اسلامادیوک حادثه» ISLAMDA BUYUK HEDISA (حادثه بزرگ در اسلام) راجع به نهضت امام حسین علیه اسلام و: «اسلامدا اشک یول، اهل بیت یولو» ISLAMDA LSILI YOL EHL-I BEYT YOLU (راه روشن در اسلام: راه اهل بیت) و «اسلام سسی» ISLAMIN SESI (صدای اسلام) و «دینین اساسلری» DININ ESASLARI (اصول دین) و «دین عمل لر» DINI AMELLER (اعمال دینی. راجع به نماز). علاوه بر اینها، نشریه فوق العاده مجله مکتب اسلام درباره شیعه «مذهبی زنده و تعلیماتی عالی» نیز به ترکی ترجمه شده و تحت عنوان: «زنده بر مذهب و اوستون تعلیمات» ZINDER NIR MEZHEB: VA USTUN TALIMAT در جرائد ترکیه چاپ و منتشر گردیده است.

البته این اقدامات برای معرفی کامل تشیع کافی نیست و اگر بخواهیم به طور جدی به ارشاد شیعیان مقیم ترکیه بپردازیم و ۱۲ میلیون علوی ترکیه را با معارف اسلام و تشیع آشنا سازیم باید به کوشش های دامنه دارتری دست بزنیم، و با توجه به شرایط موجود در ترکیه، نسبت به علویان، باید مسجد ایرانیان را به شکل یک مرکز بزرگ اسلامی درآوریم تا علاوه بر ارشاد شیعیان، علویان را نیز با تعلیمات اسلام آشنا سازیم. خوشبختانه این هدف اخیراً شروع شده و در ماه رمضان گذشته هم طبق دعوت رسمی حضرت آقای صابری همدانی، گروه زیادی از علویان در مراسم این مراسم مسجد شرکت کرده اند و ما امیدواریم که باتقویت همه

جانبه این مرکز، هر چه بیشتر به وظیفه خود عمل کرده باشیم.

مسئله «علویان»

با اینکه بحث درباره علویان نیازمند مقالات مفصل و مشروحی است و این امر فعلاً از موضوع ما. یادداشت های سفر. خارج است، ولی به طور خلاصه باید گفت که علویان چه در ترکیه و چه در سوریه و لبنان و غیره، خود را شیعه و پیرو اهل بیت معرفی می کنند.

علویان ترکیه که متجاوز از ۱۲ میلیون نفر هستند، در روزنامه رسمی خود، خودشان را پیرو اهل بیت می نامند چنانکه رهبران گروه های علوی در کشورهای عربی و غیره هم خود را شیعه اثنی عشری می نامند. مثلاً «محمد امین غالب طویل» در کتاب مفصل خود و «عبدالرحمن خیر» در مقدمه کتاب او، به طور صریح و آشکار می نویسند:

... علیرغم پندار و گمان بعضی ها، علویان دارای دین و مذهب خاصی نیستند، بلکه همه علویان، مسلمان و شیعه جعفری هستند و از نقطه نظر اعمال عبادی و مذهبی، چیزی که موجب جدایی آنان با دیگر جعفری ها گردد، وجود ندارد. علویان عقیده دارند که ائمه دوازده گانه (مانند پیامبران) معصوم از خطا و اشتباه هستند و اعمال و اقوال آنان، امکان ندارد که با قرآن و احادیث صحیح مخالفت داشته باشد...

علویان، علاوه بر ترکیه در کشورهای: سوریه، عراق، لبنان، مصر، یمن، شیخ نشین های خلیج فارس و آمریکا. به ویژه برزیل. نیز به سر می برند ولی از تعداد مجموع آنها آمار دقیق و کاملی در دست نیست.

علویان در زمان خلافت عثمانی در همه کشورها به شدت سرکوب شدند ولی اخیراً گروهی از آنان در حکومت سوریه پست های مهمی را به دست آورده و نقش های حساسی را به عهده دارند (علویان را در سوریه نصیرییه هم می نامند)

در ترکیه نیز علویان از نقطه نظر سیاسی، کوشش های وسیعی را آغاز کرده اند که تشکیل «برلیک پارتی سی» Birlık partisi (حزب اتحاد) و انتشار روزنامه ارگان این حزب، نشانه توسعه این فعالیت است جلسات دومین کنگره عمومی این حزب، اخیراً در استانبول برگزار شد و آنها رسماً اعلام کردند که خواستار حقوق مشروع و قانونی ۱۲ میلیون علوی در ترکیه هستند.

در اینجا آنچه که برای ما قابل توجه است این نکته است که متأسفانه گروه بسیاری از افراد علوی، که خود را رسماً شیعه جعفری هم می نامند از نقطه نظر اعمال و مراسم مذهبی، مطابق دیگر برادران خود رفتار نمی کنند و گاهی به پاره ای از فرائض هم بی اعتنا هستند، البته ما در اینجا قصد پی جویی و بررسی این وضع را از دید جامعه شناسی و تاریخی و مذهبی نداریم، بلکه یادآور می شویم که اگر بتوانیم گروهی مبلغ و ورزیده و فداکار، در میان علویان داشته باشیم، پیشرفت های زیادی نصیب ما خواهد شد و نه تنها برادران علوی ما از حقایق تشیع و اسلام آگاهی کامل خواهند یافت، بلکه برادران اهل سنت ما هم، در طرز عقیده و رفتار خود نسبت به علوی ها و دیگر شیعیان، تغییر کلی و اساسی خواهند داد.

اگر ما نتوانیم به علت شرایط نامساعد محلی گروهی مبلغ به میان علویان اعزام داریم بی شک (اگر بخواهیم) خواهیم توانست عده ای از جوانان علوی را به حوزه های علمیه قم و نجف دعوت کنیم و آنان را پس از تکمیل معلومات و کسب علوم اسلامی لازم، به سرزمین های خودشان روانه سازیم و البته در این صورت اشکالات محلی نیز خود به خود برطرف خواهد شد.

آن‌گاه در پانزدهم شعبان ۱۳۹۴/دوازدهم شهریور ۱۳۵۳/سوم سپتامبر ۱۹۷۴ به نام کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی با بیش از شانزده هزار جلد کتاب خطی و چاپی افتتاح گردید. در سال ۱۳۵۸ش/۱۹۷۹م پانصد مترمربع دیگر از زمین‌های سمت غربی کتابخانه خریداری و به آن ضمیمه شد. به این ترتیب، مجموع زیربنای کتابخانه در پنج طبقه بالغ بر ۴۵۰۰ مترمربع گردید.

امام خمینی طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۴ دولت وقت را موظف نمود که سریعاً کتابخانه را گسترش دهند. در پی این حکم، ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولیت کتابخانه نیز تعدادی از خانه‌های پیرامون کتابخانه را خریداری کرد؛ در مجموع، غیر از ساختمان قدیمی کتابخانه، زمین آن بالغ بر ۲۴۰۰ متر گردید. سپس بررسی و مطالعات لازم برای آماده‌سازی نقشه‌های اجرایی ساختمان جدید آغاز گشت. بدین منظور، کارشناسان ایرانی با سفر به کشورهای مختلف جهان، از ساختمان کتابخانه‌های مهم آنها بازدید کردند و پس از بررسی، نهایی آماده و آنگاه طی مراسمی (۲۰ دی‌حج ۱۴۱۰/۲۲ تیر ۱۳۶۹/۱۳ ژوئیه ۱۹۹۰) در پی‌گزارش مشروح تولیت کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، نخستین کلنگ ساختمان جدید را به زمین زدند.

واحد‌های کتابخانه

کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی برای تحقق بخشیدن به اهداف بنیانگذار آن، از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است، که زیر نظر مستقیم تولیت و ریاست کتابخانه انجام وظیفه می‌نمایند. واحد‌های کتابخانه به شرح ذیل است:

مرکز خدمات همگانی

مرکز خدمات همگانی پاسخگوی مراجعان، اعم از عادی و متخصص، و پژوهشگران خواهر و برادر است. بخش‌های این مرکز به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. تالار بزرگ ابن‌سینا: این تالار برای استفاده عموم است و ۲۲۰۰ مترمربع مساحت دارد.

۲. تالار ویژه کتب حوزوی: در این تالار طلاب حوزه علمیه بدون کارت عضویت و با ارائه هرگونه کارت شناسایی دیگر می‌توانند از کتاب‌های موجود در آن استفاده نمایند.

۳. تالار خواجه نصیرالدین طوسی: این تالار با ظرفیت دویست صندلی به برگزاری همایش‌ها و اجتماعات گوناگون، به ویژه همایش‌های تخصصی کتابداری، کتاب‌پژوهی، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی اختصاص یافته است.

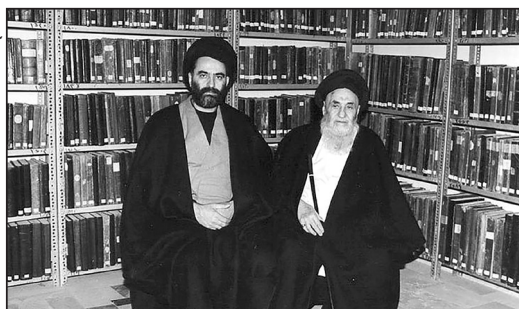
۴. تالار شیخ مفید: این تالار ویژه نشست‌ها و کنفرانس‌های مختلفی است که کتابخانه برگزار می‌نماید.

۵. فروشگاه کتاب: در این فروشگاه نشریات کتابخانه و سایر نشریات و کتب موسسه‌های گوناگون برای فروش به متقاضیان عرضه می‌شود.

مرکز منابع و خدمات ویژه

این مرکز از بخش‌های اصلی کتابخانه تشکیل شده و دارای واحد‌هایی به شرح زیر است:

۱. گنجینه نسخه‌های خطی؛
۲. گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری)؛
۳. گنجینه میکروفیلم و میکروفیش؛
۴. گنجینه اسناد مکتوب؛
۵. نمایشگاه دائمی نمونه‌هایی از نسخه‌های نفیس خطی کتابخانه؛
۶. گنجینه آثار علمی مکتوب و غیر مکتوب بنیانگذار کتابخانه؛
۷. گنجینه نسخه‌های چاپی بسیارکهن؛
۸. گنجینه نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب؛



تهیه میکروفیلم از نسخ خطی نادر و نفیس کتابخانه است:

۵. مرکز صحافی و جلدسازی کتابهای چاپی: در این مرکز تمامی کتاب‌های چاپی، عکسی، مجلات و روزنامه‌های مختلف، اعم از فارسی و عربی و لاتین، که نیاز به جلدسازی یا تعمیر دارند، صحافی می‌گردد.

۶. واحد اعلام و اطفای حریق: این واحد برای بالا بردن ضریب ایمنی در کتابخانه تشکیل یافته و وظیفه آن پیشگیری از بروز حوادث ناشی از عدم رعایت نکات ایمنی است.

گنجینه اشیای غیرمکتوب

۱. گنجینه اشیای غیرمکتوب: در این گنجینه اشیای غیرمکتوب، از قبیل فولاد، سکه، تمبرهای قدیمی ایرانی و خارجی، آلبوم عکس‌های قدیمی و چند اسطرلاب، نگهداری می‌شود. جالب‌ترین آن مجموعه‌ای از قفل‌های فولادی بسیار قدیمی از چندین سده قبل است که به در مساجد یا مداس قدیمی تعلق داشته‌اند. همچنین مجموعه‌ای از سکه‌های قدیم قبل از اسلام و بعد از اسلام تا عصر قاجار در بین آنها وجود دارد که ۹۶ قطعه آن در شهر قم در سده‌های مختلف ضرب گردیده است.

۲. آرشیو منابع صوت و تصویر: در این آرشیو تعدادی نوارهای تصویری و دیسک‌های رایانه‌ای و نیز نوارهای صوتی گوناگون که از مراسم‌های مختلف و یا مصاحبه‌های اشخاص و از سخنان بنیانگذار کتابخانه در مورد نحوه شکل‌گیری کتابخانه تهیه شده، نگهداری می‌شود.

۳. آرشیو عکس: در این آرشیو عکس‌های رنگی و سیاه و سفید قدیمی، به ویژه از عصر قاجار، و نیز از مراسم‌های گوناگون که از آغاز به کار کتابخانه تا زمان حاضر برداشته شده نگهداری می‌شود.

مرکز دایره‌المعارف کتابخانه‌های جهان دایره‌المعارف کتابخانه‌های جهان، یکی از واحد‌های فرهنگی، علمی و پژوهشی کتابخانه است که در آذر سال ۱۳۷۰ به منظور تدوین و تالیف دایره‌المعارفی تخصصی درباره کتابخانه‌هایی که دارای مجموعه‌های خطی اسلامی هستند، تأسیس یافته است. هدف از تأسیس چنین مجموعه‌ای از آن جا نشئت گرفته است که مسلمانان و دیگر ملت‌ها از پیشینه فرهنگی و تمدن اسلامی اطلاع دقیقی نداشته، و در مقابل، منبع و مرجعی که جامع و علمی باشد و بتواند آنان را به محل این ذخایر رهنمون سازد در دست نیست.

تعداد کتاب‌های کتابخانه

نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی

کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کشور ایران و در ردیف کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آستان قدس رضوی است. این کتابخانه بسیاری از کتب خطی اسلامی جهان را دارا است. این کتابخانه در حال حاضر به لحاظ مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی نخستین کتابخانه در کشور و سومین کتابخانه در جهان اسلام به شمار می‌رود.

*در حال حاضر تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه سی و یک هزار عنوان، مشتمل بر بیش از ۶۰۰۰ مجلد است، که ۶۵ درصد آن به عربی و بقیه به فارسی و اندکی ترکی، اردو، تاتاری، حبشی، پهلوی و لاتین است. این تعداد نسخه خطی هیچ‌گاه ثابت نیست و به طور متوسط هر سال بیش از ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نسخه خطی نفیس گزینش شده خریداری و یا اهدایی به این گنجینه افزوده می‌شود. این نسخه‌ها در موضوعات مختلفی است: از جمله: فقه و اصول، کلام و عقاید، منطق و فلسفه، عرفان و تصوف، حدیث، تفسیر و علوم قرآن، ادبیات، اخلاق، طبیعیات، تراجم و رجال و درایه، انساب، علوم غریبه و اعداد، فیزیک،

شیمی، ریاضی، جغرافی، هیئت، و نجوم، طب، موسیقی. در میان این ذخایر نسخه‌های منحصر به فرد بسیاری به خطوط مولفان مشهور اسلامی و یا با اجازات آنان مزین است؛ کهن‌ترین نسخه بدون تاریخ این گنجینه در حال حاضر بخشی از قرآن کریم به خط کوفی از اوایل سده دوم و سوم هجری است و نیز قدیمی‌ترین نسخه‌های تاریخ‌دار دو جزء از قرآن کریم به خط کوفی علی بن هلال، مشهور به ابن‌بواب، است که در بغداد به سال ۳۹۲ق/۱۰۰۲م کتابت نموده است. همچنین دو جلد تفسیر تبیان شیخ طوسی که بر خود او خوانده شده مورخ ۴۵۵ق/۱۰۷۶م، نهج البلاغه شریف رضی سال ۴۶۹ق اصلی‌ترین و کهن‌ترین نسخه موجود در جهان.

*گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری) مشتمل بر بیش از چهار هزار مجلد که از نسخه که از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های خارجی، و اندکی از کتابخانه‌های داخلی، تهیه شده است. تاکنون دو مجلد از فهرست نسخه‌های عکسی این گنجینه شامل هزار نسخه عکسی چاپ و منتشر گردیده است.

*گنجینه میکروفیلم و میکروفیش از دو بخش تشکیل شده است: نخستین بخش میکروفیلم‌هایی است که از بیش از چهار هزار نسخه خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های بزرگ خارجی و اندکی از داخل کشور تهیه شده؛ و بخش دیگر نسخه‌های خطی نفیس موجود در گنجینه این کتابخانه است، که تا امروز تعداد آنها ۱۲۲۰۰ است. این آمار با ارائه فهرست نسخه‌های خطی در هر سال افزایش می‌یابد. مجموعه عظیمی از میکروفیش‌های فهرست کتب چاپ شده در جهان به زبان‌های مختلف وجود دارد که فهرست نخستین کتابهای چاپ شده تا پایان سال ۱۹۹۵م را شامل و بالغ بر پنجاه میلیون عنوان کتاب به زبان‌های مختلف جهان است.

*در گنجینه اسناد مکتوب بیش از صد هزار سند دست نویس از پنج سده قبل تاکنون وجود دارد که شامل احکام شاهان و امیران و حاکمان، اجازات حدیث به خطوط علمای بزرگ، عقدنامه‌ها، اسناد تملیکی و غیر آنهاست. نیز نامه‌هایی به خطوط علما و مراجع بزرگ، از جمله ده‌ها نامه از حضرت امام خمینی و دیگر رهبران مذهبی جهان اسلام، در میان آنها موجود است که از سال‌های ۱۳۳۸ق تا زمان حیات موسس و بنیانگذار کتابخانه به ایشان نوشته‌اند.

*در گنجینه نسخه‌های چاپی بسیارکهن، نمونه‌هایی از نسخه‌های چاپی بسیار کهن و نفیس قرار دارد که مشتمل بر نسخه‌هایی به عربی، فارسی، ترکی، لاتین و ارمنی است، که در سده‌های دهم و یازدهم هجری چاپ شده‌اند.

*در گنجینه نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب، نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو، ازبکی، تاتاری و... وجود دارد که اوایل سده سیزدهم به بعد در ایران و چند کشور دیگر چاپ شده است و تعداد آنها به بیش از سی هزار جلد می‌رسد.

*گنجینه‌های مرکزی کتاب‌های چاپی فارسی، عربی، ترکی، اردو و غیر لاتین: این گنجینه‌ها به علت گستردگی و حجم بالای کتابهای آن، در حال حاضر صدها هزار مجلد است و در سه طبقه از ساختمان جدید قرار داده شده است.

*بخش نخست در گنجینه شماره یک و در طبقه دوم ساختمان؛

*بخش دوم در گنجینه شماره دو و در طبقه سوم کتابخانه؛

سی و هشتمین سالگرد رحلت آیت‌الله سید محمود طالقانی با عنوان «به یاد پدر» عصر پنجشنبه و با حضور شخصیت‌های علمی، دینی و سیاسی در کانون توحید برگزار شد.

به گزارش چهاران، در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر داوود فیرحی با بیان اینکه آیت‌الله طالقانی آنقدر مشهور هست که احتیاجی به معرفی کلیت آثار ایشان نباشد افزود: مرحوم آیت‌الله طالقانی یک شخصیت مرزی است؛ او مردی است درمیانه دین و سیاست و سنت و تجدد. او از جمله متفکران بزرگ این حوزه فکری است. یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال مهمترین آثار ایشان یک مقدمه و حاشیه‌ای است که بر اثر گرانقدر علامه نایینی نوشته اند و اثر دیگری که بخشی از آن در زندان نوشته شده، کتاب مهم «پرتویی از قرآن» است.

چرا طالقانی همچنان قابل توجه است؟

وی افزود: آنچه برای من مهم است پاسخ به این سؤال است که چرا طالقانی همچنان قابل توجه است و چرا همچنان اهمیت دارد و باید هم اهمیت داشته باشد؟ شاید دلیل آن این است که مساله طالقانی هنوز مساله جامعه ماست یا برعکس مساله جامعه ما هنوز مساله آیت‌الله طالقانی است. این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران با بیان این که اگر بخواهیم مهمترین مسائل جامعه خودمان را نام ببریم شاید بتوان آنها را در عقب‌ماندگی جامعه، مساله استعمار، استبداد، دین، تجدد، آزادی و دموکراسی خلاصه کرد، گفت: همین مسائل هم در صدر مشروطه بود، هم بعد از کودتای پهلوی دوم نمود داشت و اکنون هم مساله ما ست. مرحوم طالقانی به این مسائل فکر می‌کرد، چون این مسائل هنوز هم هستند، پس مساله طالقانی مساله ماست و مساله ما، مساله طالقانی.

وی افزود: اگر به هر یک از این مسائل نام برده شده دقیق بنگریم هریک از محققان و صاحب‌نظران یکی از آن‌ها را جدی گرفته اند و آن را امّ المسائل تلقی کرده‌اند. در مجموع از آثار مرحوم طالقانی این طور به نظر می‌رسد که مساله اصلی استبداد است. طالقانی با معضل استبداد روبروست و فرق ندارد استبداد جامه دینی داشته باشد یا سکولار؛ برای او استبداد، استبداد است. این مساله اصلی مرحوم آیت‌الله طالقانی است. او از همین زاویه دین، هم به مسائل ملی و هم به مسائل قومی هم به مسائل جهانی نگاه می‌کرد. همه ما می‌دانیم مساله ما با طالقانی یکی است.

فیرحی خاطرنشان کرد: مرحوم طالقانی مثل هر متفکر دیگری وقتی صحبت می‌کند یک ام‌المسائل دارد و آن همین مساله «استبداد» است. بیچیدگی جامعه ما عجیب است. مثلاً جریان‌های چپ در توسعه فکر دموکراسی در ایران کمی اختلال ایجاد کرد و مسائلی را مطرح کردند. به همین دلیل شاید بهتر باشد همان طور که خود آیت‌الله طالقانی به

ادامه از صفحه قبل

*بخش سوم در گنجینه شماره سوم در طبقه چهار کتابخانه قرار گرفته است.

گنجایش کتاب در این گنجینه‌ها در مرحله نخست یک و نیم میلیون جلد و در مراحل بعدی با استقرار قفسه‌های ریلی بالغ بر پنج میلیون جلد است.

*در گنجینه روزنامه‌ها و مجلات ادواری تاکنون بیش از ۲۵۰۰ عنوان مجله و روزنامه به زبانهای فارسی و عربی و ترکی و اردو (غیرلاتین) وجود دارد که در میان آنها تعدادی از مجلات و روزنامه‌های چاپ سنگی از عصر قاجار و نیز

مشروطه برگشتند تا دوباره از ایده نو مشروطه صحبت کند ما هم همین کار انجام دهیم.

این استاد دانشگاه تهران با اشاره اینکه طالقانی در شبکه‌ای فکر می‌کرد که این شبکه فکری ضداستبداد بود، گفت: در این شبکه بزرگانی چون نایینی و خراسانی و مدرس در ایران و افرادی

مانند عبدالرحمان کواکبی در بیرون از ایران این اندیشه را برجسته کرده بودند. اینان شبکه ای از تفکر را ساخته بودند که آن «مفهوم سازی استبداد» بود. در نظریه این متفکران تلاش شایانی پدید آمده است که عبارت است از تفکیک استبداد از مستبد. این تفکیک مفهوم استبداد از فرد مستبد بسیار مهم است. مانند تفکیک ظلم و ظالم، استبداد ناظر به یک ساختار فکری و اجتماعی غیر دموکراتیک است یعنی ساختاری که به صورت اتوماتیک آزادی را سرکوب می‌کند. مهم نیست چه کسی کارگزار امر سرکوب باشد. مهم این است که سیستم و ساختار مستبد پرور نباشد. مرحوم طالقانی و بزرگانی که در این مکتب فکری بودند متوجه شدند که مبارزه با مستبد دچار یک چرخه باطل است؛ مستبد پیری پایین کشیده می‌شود و مستبد جوانی با قدرت و انرژی بیشتر جایگزین او خواهد شد، بنابراین مستبد مثل ظالم است. اگر جامعه ظلم خیز باشد ظالمانی هم پیدا خواهند شد. ظالم کوچک را می‌گویند شورشی و به ظالم بزرگ قداست می‌دهند.

فیرحی ادامه داد: مرحوم طالقانی ظاهراً به این قضیه بیشتر توجه کرده و آن تفکیک استبداد به عنوان یک مفهوم و ساختار زندگی و به عنوان یک شبکه فکری اجتماعی، با شخص مستبد است. در اندیشه سیاسی امروز می‌گویند مستبدان را جامعه استبداد پرور تولید می‌کند، چون فکر دیکتاتوری هست دیکتاتور پیدا می‌شود؛ در اینجا دو سه گانه مطرح می‌شود.

وی تاکید کرد: اول این که اساساً مرحوم طالقانی مثل بقیه متفکران نظریه استبداد در جهان اسلام، معتقد است باید ماهیت استبداد را شناساند و نسبت به آن آگاهی داد. چپستی استبداد مهم است نه کیستی مستبد؛ کیستی مستبد اهمیت ندارد. اگر استبداد باشد، مستبد هم هست. این موضوع که اساساً استبداد چیست و از کجا می‌آید و چگونه عمل می‌کند مهم است. بزرگان این فکر ریشه آن را در جهل و راه حل این مساله را در آزادی جریان اطلاعات توضیح می‌دادند.

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران دوم مساله را چگونگی نهی یا سلب استبداد بیان کرد و افزود: این نظریه در پایان کتاب کوچک عبدالرحمان کواکبی آمده است. کواکبی می‌گوید: «تا کسانی استبداد را نشانند و نجشند نمی‌توانند با استبداد مقابله کنند». او همچنین جمله دیگری هم دارد به این معنی که استبداد با استبداد کنار زدن نیست. یعنی خشونت را نمی‌توان با خشونت مهار کرد، چرا که خشونت مضاعف تولید می‌کند و در نهایت این که می‌گوید بهترین سلاح مقابله با

مجلاتی قدیمی به زبان عربی چاپ کشورهای اسلامی از صد سال قبل به چشم می‌خورد.

*در گنجینه فهرس نسخه‌های خطی اسلامی کتابخانه‌های جهان، فهرس نسخه‌های خطی اسلامی بیش از شصت کتابخانه در جهان، از جمله ایران، به زبان‌های مختلف وجود دارد که یکی از گنجینه‌های تخصصی کتابخانه است و در نوع خود از کامل‌ترین و کم‌نظیرترین آرشیوها به شمار می‌آید.

*در گنجینه کتاب‌های چاپی و مجلات و روزنامه‌های لاتین، دهها هزار جلد کتاب چاپی به بیش از چهل زبان خارجی چاپ کشورهای



مستبد، مقاومت نرم یا صلح آمیز است. این حرف بسیار مهمی است چون استبداد مانند تیغ است و هر چه برخورد با آن شدید تر باشد، جراحت بیشتری ایجاد می‌کند.

وی اضافه کرد: بحث سوم این که می‌گویند قبل از این که نفی استبداد شروع شود، باید جایگزین استبداد هم روشن شود تا این که بتوان ایده ای را توضیح داد. باید نظریه جایگزین وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت (نفی استبداد) تخریب بی هدف است و این تخریب خود شرایط بهتری را برای ظهور استبداد جدید مهیا می‌کند. چون جامعه ناامن می‌شود و مردم دوباره به مستبد جدیدی پناه می‌برند.

فیرحی خاطرنشان کرد: این ایده‌ها در مرحوم طالقانی هم وجود دارد و ما می‌بینیم که از اولین بحث‌های ایشان صحبت کردن از عواقب و مصائب استبداد در ایران است. او از جمله متفکرانی است که معتقد است با استعمار هم می‌توان با نیروی دموکراسی مواجه شد. این یعنی منطق حکمرانی مدرن را مرحوم طالقانی خوب درک کرده اند و آن این است که مهمترین ابزار مقاومت افکار عمومی است. این چیزی است که در ادبیات طالقانی وجود دارد.

وی اظهار داشت: طالقانی در مقدمه کتاب خودش مرتباً به بزرگان نهیب می‌زند که چرا شما استبداد را توضیح نمی‌دهید؟ این طور نیست که استبداد عیان باشد و آنچه عیان است چه حاجت به بیان است. استبداد هزار و یک لایه و مکر دارد. استبداد از تهدید خارجی می‌ترساند، تقدس می‌سازد، منفعت ایجاد می‌کند و... یعنی این گونه نیست که استبداد عریان و عیان باشد، بلکه احتیاج به توضیح و توجه دادن دارد.

دکتر فیرحی افزود: بحث دیگری که مرحوم طالقانی دارد این است که چطور می‌توان این استبداد را کنار زد یا به طور تدریجی مهار کرد؟ در همین زمینه ایشان به همراه افراد دیگری کوشش می‌کنند سازمان‌هایی بسازند که بُعد خشونت‌آمیزش پایین باشد، مثل جبهه ملی و نهضت آزادی. این فعالیت، ادامه بحث مواجهه نرم است؛ چرا که تجربه تاریخی نشان داده است کسانی که سلاح به دست می‌گیرند دیکتاتورهای آینده هستند و مرحوم طالقانی متوجه این قضیه است.

این استاد علوم سیاسی به موضوع ایده نظام شورایی در افکار مرحوم طالقانی اشاره کرد و گفت: البته این را بگویم که مرحوم طالقانی در این سه حوزه یکسان عمل نکرده است. مثلاً در حوزه نفی و سلب به شدت قوی و در حوزه مواجهه سازمان یافته و نرم با استبداد شاهکارند. در زمانه ای که زمانه جنبش‌های چپ است سازمان دادن یک حزب و جبهه دموکراتیک کار ساده‌ای نیست. در زمانه‌ای که موج افکار عمومی به سمت یوزی و کلاشینکف حرکت می‌کرد سازمان دادن مبارزه صلح آمیز کار ساده ای نبوده است، اما مرحوم طالقانی در حوزه تعیین جایگزین برای استبداد فرصت لازم را پیدا نکرد و عمرش زود به پایان رسید.

مختلف جهان و نیز بخشی از روزنامه‌ها و مجلات لاتین وجود دارد که تعداد آنها روبه افزایش است. برخی از عناوین موجود در این گنجینه از کتب نفیس و کهن به شمار می‌آیند که سابقه چاپ آنها به صدوپنجاه تا دویست سال قبل برمی‌گردد.

*دایره‌المعارف کتابخانه‌های جهان، یکی از واحدهای فرهنگی، علمی و پژوهشی کتابخانه است که در آذر سال ۱۳۷۰ به منظور تدوین و تالیف دایره‌المعارفی تخصصی درباره کتابخانه‌هایی که دارای مجموعه‌های خطی اسلامی هستند، تاسیس یافته است

*کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، از بزرگترین

مراسم بزرگداشت آیت‌الله طالقانی در کانون توحید

وی گفت: ما این بارقه‌ها را در سه جا داریم؛ یکی در شرح تنبیه الامة و تنزیه المله در ادبیات مرحوم نایینی است. نایینی در این قسمت خط شکن است. متفکران شیعه شورا را در مقابل امامت و ولایت قرار می‌دادند و به طور بنیادی نفی می‌کردند. حتی می‌گفتند اولین نتیجه شورا سقیفه بود که چنین مشکلاتی را فراهم کرده است. بنابراین در دستگاه فقهی ما شورا جای محکمی نداشت و سلیش تقویت شده بود. دومین نکته این که می‌گفتند شورا برای تقویت تصمیم حاکم است و الزام آور نیست. مرحوم نایینی در هر دو اینها خط شکنی کرد؛ یکی این که شورا مثل نماز واجب است و ملتزم به نتیجه نباید بود؛ اصل شورا مهم است. معنی آن این است که اگر در جنگ احد نتیجه شورا شکست در جنگ باشد، باز هم اشکالی ندارد.

فیرحی دومین مساله‌ای را که آیت‌الله طالقانی توسعه داده، ایده نایینی در امر شورا خواند و گفت: نایینی گفت: «حتی امام معصوم هم در امر سیاسی ملزم به شور است». تعبیر ایشان از آیه «وشاورهم فی الامر» این گونه است که «هم» در اینجا صیغه امر است و صیغه امر الزام دارد، مخاطب الزام هم پیامبر (ص) است و هم عامی مردم هستند و به پیامبر (ص) می‌گوید که الزاماً باید با آنها مشورت کنی و بعد می‌گوید این در مورد شریعت نیست، چون شریعت شورا نمی‌خواهد. این دقیقاً در حوزه امر سیاسی است. به همین دلیل نایینی می‌گفت پیامبر (ص) ملزم به اطاعت از شورا بود. طالقانی این ایده را از نایینی گرفت و در تفسیر آیه شورا گفت: «اصلاً شورا به این خاطر عقب مانده که اجرا نشده است» و این حرف مهمی بود. او می‌گفت: «اگر کسی نماز نخواند حمد و سوره‌اش هم اشتباه می‌شود؛ لذا آنقدر باید مشورت کنیم تا مکانیزم مشورت و عمل جمعی را یاد بگیریم.»

وی تاکید کرد: مرحوم طالقانی افزوده‌ای داشت و آن نزدیک کردن شورا به دموکراسی بود. یعنی شورا را از حوزه خواص خبرگانی خارج می‌کرد و به همه شهروندان توسعه می‌داد.

نویسنده کتاب فقه و حکمرانی حزبی ابراز داشت: آخرین نکته ای که در این حوزه مرحوم طالقانی داشت، پیشنهاد اصل هفت قانون اساسی است که قانون اساسی فعلی یک واژه از آن را حذف کرده است. طالقانی پیشنهاد کرده بود که نظام اداره جامعه بر اساس «امر به معروف و نهی از منکر نظام شورایی» خواهد بود. در حالی که در قانون اساسی درج شده است که «بر اساس شوراها» خواهد بود. یعنی قانون اساسی این مفهوم مستقل را به شوراها و شهر و روستا تقلیل داد. خود مرحوم طالقانی هم عمر بیشتری پیدا نکرد که این موضوع را بیشتر توضیح دهد.

وی در پایان در جمع بندی بحثش گفت: مرحوم طالقانی می‌گفت استبداد را بشناسید نه مستبد را. با استبداد باید با نرمی و با نهادهای تدریجی مواجه شد و در نهایت این که معتقد بودند اساساً باید برای استبداد جانشینی را مشخص کرد.

کتابخانه‌های کشور ایران و در ردیف کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آستان قدس رضوی است. این کتابخانه بسیاری از کتب خطی اسلامی جهان را دارا است. این کتابخانه در حال حاضر به لحاظ مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی نخستین کتابخانه در کشور و سومین کتابخانه در جهان اسلام به شمار می‌رود *در گنجینه اسناد مکتوب بیش از صد هزار سند دست نویس از پنج سده قبل تاکنون وجود دارد که شامل احکام شاهان و امیران و حاکمان، اجازات حدیث به خطوط علمای بزرگ، عقدنامه‌ها، اسناد تملیکی و غیر آنهاست.

گزارشی از دیدارها و رایزنی‌های رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با رؤسای دانشگاه‌های لبنان

به گزارش روابط عمومی دانشگاه مذاهب اسلامی، در جریان سفر حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین مختاری؛ رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی به کشور لبنان و دیدار با شخصیت‌های علمی و دانشگاهی، علما و اندیشمندان این کشور، تفاهم نامه همکاری دانشگاه مذاهب اسلامی با مجمع دعوت اسلامی لبنان با حضور جناب آقای شریعتمداریزین فرهنگی کشورمان در لبنان به امضاء طرفین رسید.

دیدار رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با رئیس مجمع دعوت اسلامی لبنان

تبادل تجارب علمی فیما بین از طریق اجرای پژوهشها و مطالعات علمی و تالیف کتاب‌های مشترک، تبادل نتایج پژوهش و اقدام در جهت نشر آن به صورت مجلات علمی مشترک، همکاری سازنده در عرصه آموزش‌های تخصصی و توسعه برنامه‌های آموزشی، نظارت مشترک بر رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری از جمله بندهای این تفاهم نامه می‌باشد.

همچنین انتشار فصلنامه‌های ویژه مشترک در عرصه‌های علمی با رویکرد مشترک، برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی مشترک حول مسائل مهم جهان اسلام، نظام دهی فعالیت‌های مشترک و اجرای برنامه‌های سالیانه بازدید دانشجویان دو مجموعه از مراکز علمی و آموزشی یکدیگر و سفرهای علمی با هدف تأمین نیازهای علمی از دیگر بندهای مورد توافق طرفین است. این تفاهم نامه در دفتر مجمع دعوت اسلامی لبنان با حضور راینز فرهنگی ایران در لبنان به امضاء حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین مختاری؛ رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و شیخ دکتر عبدالله عبدالناصر جبری رئیس مجمع دعوت اسلامی لبنان رسید.

دیدار با رئیس دانشگاه المعارف لبنان

همچنین در ادامه این سفر، دکتر مختاری رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی از «جامعه المعارف لبنان» بازدید و در نشست صمیمی با رئیس و معاونین این دانشگاه با حضور راینز فرهنگی ایران در لبنان حضور یافت. در این دیدار در خصوص روابط و تعامل هر چه بیشتر در زمینه‌های گوناگون بین دو دانشگاه بحث شد و مورد استقبال طرفین واقع شد.

همچنین تبادل استاد و دانشجو و نیز اعطای فرصت مطالعاتی نیز در دیدار رؤسای دانشگاه مذاهب اسلامی و المعارف لبنان مطرح و مورد تأکید قرار گرفت.

دیدار با رئیس دانشگاه اسلامی لبنان و امضاء تفاهم نامه همکاری

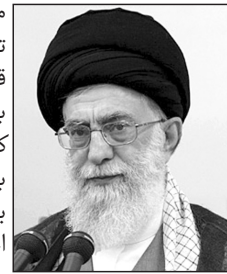
در ادامه دیدارهای دانشگاهی دکتر مختاری رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با رؤسای دانشگاه‌های لبنان با خانم دکتر «دینا مولی» رئیس دانشگاه اسلامی لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار که با حضور راینز فرهنگی ایران در کشور لبنان صورت گرفت، مشاور رئیس هیئت امنای دانشگاه و دبیر کل مجلس شیعه «نیزه جومل» و رئیس دانشکده مطالعات اسلامی و... حضور داشتند. در این نشست علاوه بر روابط مربوط به همکاری میان دانشگاه مذاهب اسلامی ایران و دانشگاه اسلامی لبنان، موضوعات و امور آموزش عالی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در این دیدار راه‌های توسعه همکاری میان دو دانشگاه از طریق اجرای کنفرانس‌های مشترک و کارگاه‌های آموزش و تبادل تجارب پیگیری شد. همچنین توافقنامه همکاری میان دو دانشگاه در آینده نزدیک به امضا رسید.

پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه مولوی عبدالحمید:

همه ارکان جمهوری اسلامی موظفند هیچگونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند



حجت الاسلام محمد محمدی گلیایگانی رییس دفتر مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۱ مردادماه امسال در مرقومه‌ای به نامه مولوی عبدالحمید که در تاریخ ۱۱ مردادماه خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشته شده بود، پاسخ داد.

رییس دفتر مقام معظم رهبری در این نامه که در پاسخ به درخواست

این روحانی بلندپایه اهل سنت و امام جمعه زاهدان مبنی بر «استفاده از ظرفیت اهل سنت در مدیریت کشور» و «توجه به آزادی‌های مذهبی» از مقام معظم رهبری تهیه شده بود، نوشت:

جناب آقای مولوی عبدالحمید

سلام علیکم

مرقومه جنابعالی خطاب به مقام معظم رهبری مدظله‌العالی دریافت و به استحضار ایشان رسید.

معظم‌له از اظهار علاقه شما به نظام مقدس جمهوری اسلامی و جانبداری و حمایت و دفاع از کشور و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی قدردانی کرده و فرمودند:

«همه ارکان جمهوری اسلامی موظفند بر اساس

معارف دینی و قانون اساسی هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند. ما هم به جد معتقدیم همه باید با هم در کنار هم و در صنف فشرده و واحدی به سربلندی و عزت ایران اسلامی بیندیشند و در راه آن تلاش کنند، و اجازه ندهند دشمنان این مرز و بوم و خناسان وابسته به این و آن در این

صف واحد تفرقه افکنده و کارشکنی کنند.»

به این امید که با الهام از تعالیم اسلامی و تمسک به اصول قانون اساسی، همه ما به عنوان ایرانی بتوانیم در جهت اعتلای کشور و تأمین منافع ملی و تحکیم وحدت و یکپارچگی گام برداریم و نقش خود را در انجام وظایف دینی و ملی ایفا کنیم.

محمدی گلیایگانی

در بخشی از نامه مولوی عبدالحمید خطاب به مقام معظم رهبری، با تأکید بر این که «احساس وطن‌دوستی، اسلام‌خواهی و همبستگی اهل سنت و حمایت از نظام جمهوری اسلامی و رهبری عالی‌قدر آن بر کسی پوشیده نیست» و با اشاره به

تشکر مولوی عبدالحمید از پاسخ مقام معظم رهبری



منطقه و کشور که طی نامه شماره ۳۲۶۳۰/۱ مورخ ۹۶/۵/۳۱ بوسیله رئیس دفتر محترم حضرت‌تعالی در پاسخ به نامه شماره ۹۶/۳۳۷ مورخ ۹۶/۵/۱۱ اینجانب صادر و ابلاغ گردید، مایوس‌کننده بدخواهان ایران اسلامی و مایه مسرت ملت عزیز ایران و از باقیات صالحات معظم‌له و موجب همبستگی ملی و امنیت پایدار خواهد بود.

این فرمان، تکلیف شرعی و قانونی همه مسئولان لشکری و کشوری و ارکان نظام اسلامی را در راستای اجرای عدالت و نگاه یکسان بین همه اقوام و

مذاهب را تبیین و حجت را بر همه تمام کرده است.

وظیفه خود می‌دانم از این دستور صریح و ماندگار آن رهبر دلسوز و خردمند صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی نمایم و امیدوارم مدیران محترم کشور در سطوح مختلف این پیام روشن و خداپسندانه را چراغ راهشان قرار دهند و نسبت به رفع

هر نوع تبعیض و نابرابری بین مردم شریف ایران که همه به منزله اعضای یک خانواده اند اقدام نمایند. سلامتی و طول عمر همراه با موفقیت را برای آن زعیام عالیقدر مسئلت دارم.

آیت‌الله اراکی در مراسم یادبود سرداران بی‌سرواربعین شهید حجی:

امثال شهید حجی آبروی اسلام را زنده کردند

نیز اشاره کرده است، سروری و پیروزی حتمی خواهد بود.

آیت‌الله اراکی با اشاره به اینکه ملت ثابت قدم در مسیر آزمایش‌های مختلف از دشمن‌هراسی ندارد، مطرح کرد: هر چند دشمنان گستاخ همچون آمریکا و دیگر جنایتکاران در راستای تضعیف دستاوردهای نظام اسلامی فعالیت داشته

باشند اما باز هم نمی‌توانند سرملت را برابر خود خم کنند چرا که سرملت ایران دیگر خم‌شدنی نیست و این فداکاری‌ها اثبات می‌کند که ملت پیروز است.

وی با تأکید بر اینکه در برابر تهدیدها و توطئه‌ها ملت ایران به خوبی ایستادگی کرده است، گفت: اکنون به برکت رهبری ولایت فقیه توانسته‌ایم به شیوه مطلوبی دشمن را از توطئه‌ها ناامید کنیم؛ تحقق ملک علوی اکنون از ایران اسلامی آغاز شده است.

آیت‌الله اراکی ادامه داد: اکنون که در آستانه اعلام بیعت مجدد با امام حسین(ع) هستیم باید بدانیم که روز عاشورا زمانی که ایشان تنها در میدان ماندند ندای هل من ناصر یبصرنا را سر دادند، امثال شهید حجی با خون خود به این ندا پاسخ می‌دهند چرا که سیدالشهدا(ع) همه افراد در طول تاریخ را برای دفاع از حرم الهی فراخوان کرد که این حرم الهی فقط خیمه‌های سوخته عصر



خبرگزاری تقریب: آیت‌الله «محسن اراکی» در مراسم یادبود سرداران بی‌سرواربعین شهید حجی و گرامیداشت ۳۰۰ شهید مدافع حرم که در شبستان امام خمینی(ره) حرم مطهر حضرت معصومه(س) برگزار شد، با اشاره به اینکه ملت ایران همچنان در راه انقلاب، امام خمینی(ره) و رهنمودهای

رهبری استوار و ثابت قدم است، اظهار کرد: استواری در مسیر جهاد برای خداوند، تحقق اهداف رسول‌الله(ص) و آرمان‌های اسلام پاداش امتی است که جان‌فشانی‌های بسیاری کرده‌اند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اضافه کرد: استواری یک ملت در لحظه‌های سخت پاداش جهاد مستمر و شهادت است، اینکه اکنون در آستانه چهلیمین سال انقلاب و دهه پنجم انقلاب شاهد جان‌فشانی نسل سوم انقلاب هستیم نشان می‌دهد که مسیر اشتباه نرفته‌ایم؛ اکنون این نسل در هر کجای این کره خاکی آماده دفاع از مظلومان است.

وی خاطرنشان کرد: اینکه امروزه ملت، جوانان خود را تقدیم راه انقلاب می‌کنند به این معناست که آنها پاداش خود را از خداوند متعال گرفته‌اند و ایمان دارند که در این مسیر به پیروزی قطعی می‌رسد و همانطور که خداوند متعال در قرآن کریم

عاشورا نیست بلکه هر جا دولت رسول اکرم(ص) است، حرم الهی است.

وی خاطرنشان کرد: امروزه اگر در سوریه رزمندگان حضور دارند در راستای حفاظت از حرم الهی است، اگر امت اسلام ضعیف شود و دشمنان بتوانند نقشه‌های خود را در ملت اسلام پیاده کنند حریم الهی شکسته می‌شود.

عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه دولت امام زمان(عج) مرزی ندارد، تصریح کرد: هر چند ایشان اکنون حضور آشکار میان مردم ندارند اما دست مدیریتی حضرت با تمام وجود قابل احساس است، شکست استکبار جهانی در کشورهای مختلف نشان از حمایت امام زمان(عج) از رزمندگان اسلام است.

وی با اشاره به اینکه ایستادگی رزمندگان اسلام در منطقه با روحیه علوی دنبال می‌شود، گفت: مرزها و ارزش‌های مختلف انقلاب سلامی حرم رسول‌الله(ص) است به همین علت تجاوز به این مرزها تجاوز به حرم رسول‌الله(ص) است.

آیت‌الله اراکی یادآور شد: شهید حجی، رزمندگان و روحانیون شهید که در مسیر مقاومت جان خود را فدا کرده‌اند، با موفقیت توانستند آبروی اسلام را زنده و خونی به پیکره جامعه اسلامی تزریق کنند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائییه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

است که این قشر در جهت کسب مادیات حرکت نمی‌نماید چرا که اگر قرار باشد روحانیون نیز همانند دیگر اقشار جامعه در طریق کسب مادیات و تقویت بنیه مالی و تجمعات زندگی تلاش نمایند و دائم به فکر تأمین شئون زندگی خود باشند، پس چرا آنان را روحانی بنامند؟

و لذا آن مرجع بزرگ خود عملاً حدّ اعلاّی زهد را در حیاتش دارا بود. هیچ وقت لباسی برتر از لباس معمولی طلاب متوسط حوزه به تن نمی‌کرد، هیچ‌گاه اجازه نداد که اطاق مسکونیش حتی فرش ماشینی داشته باشد، و زمانی که اقامتگاه خود را به عنوان حسینیه وقف نمود، تعدادی فرش ماشینی با نرخ رسمی به وسیله اداره اوقاف تهیه و وقف حسینیه شده بود، وقتی از ایشان اجازه خواستند که با توجه به سردی هوا دو قطعه فرش ماشینی در اتاق مسکونی‌تان پهن شود، فرموده بود: «می‌خواهید در این آخر عمر وضع زندگی مرا تغییر دهید و آن را اعیانی نمایید؟ سبحان الله ... ابداً اجازه نمی‌دهم».

ایشان در زمینه عبادت و تهجد و پارسائی لبریز از عشق به خداوند و دراز و نیاز معبودش چون عاشقی شیدا عمل می‌کرد، در انجام عبادات مستحبه و دعا و زیارت مداومت فوق العاده داشت، حتی برای يك بار نماز شب را ترك ننمود.

پرواز به سوی معبود

و سرانجام آن فقیه عالیقدر در ساعت ۱۱:۳۰ شب پنجشنبه مصافد با شب اول محرم آغاز سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۵ مهرماه ۱۳۶۳ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و دیدار معبودش را با جان و دل پذیرا شد.

پیام رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع تقلید

پس از اعلام خبر رحلت آن مرجع بزرگوار در آن ساعات اولیه صبح که به یکباره ملت مسلمان ایران و دیگر ملل مسلمان را غرق در ماتم و اندوه ساخت، پیام مهمّ رهبر معظم انقلاب امام خمینی از رادیو قرائت گردید، و امام بزرگوار طی این پیام ضمن عرض تسلیت این مصیبت عظمی به پیشگاه حضرت ولیّ عصر (ارواحنا له الفداء) و مسلمین جهان، فقدان آن مرجع بزرگوار را ثلمه‌ای بزرگ بر اسلام و مسلمین خواندند و یادآور شدند که این ضایعه جبران ناپذیر است.

تشییع پیکر پاک

از ساعات اولیه صبح جمعه ده‌ها هزار تن از مردم مسلمان مشهد مقدّس و همچنین مردم دیگر شهرهای کشور که به منظور شرکت در مراسم تشییع به مشهد مقدّس آمده بودند به سوی بیت آن فقیّد سعید روی آورده تا آنجا که خیابان‌های اطراف مملوّ از جمعیت شده و راه عبور و مرور بر مردم بسته شد. در ساعت ۹ صبح پیکر پاک و مطهر آن فقیّد سعید بر دوش ده‌ها هزار نفر به سوی حرم مطهر حضرت علیّ بن موسی الرضا (ع) حمل شد و مراسم نماز میت بر پیکر پاک آن مرجع فقیّد با حضور نمایندگان امام امت و مراجع معظم تقلید قم، و صداهای علمای اعلام بلاد مختلف و مشهد مقدّس و انبوه جمعیت مردم شریف مشهد برگزار گردید.

سرانجام پیکر پاک ایشان روز جمعه ۲/ محرم الحرام/ ۱۴۰۵ هـ. ق در جوار مرقد مطهر ثامن الائمه (علیه السلام) در کنار مرحوم آیت الله العظمی میلانی (ره) برای همیشه در جایگاه ابدی آرام گرفت.

نگاهی اجمالی به زندگانی آیت الله العظمی حاج سید عبدالله شیرازی (قدّس سرّه)

یافته و به تلاش‌های علمی و مبارزاتی پرداخت و مورد احترام و تجلیل مراجع معظم تقلید و زعمای حوزه، همچون آیات عظام اصفهانی، نائینی و عراقی قرار گرفت، تا آنجا که در اتخاذ تصمیمات اساسی در مورد حوزه از سوی اینان، ایشان یکی از طرف‌های شور و اظهار کنندگان نظر قاطع در کنار دیگر علمای بزرگ همانند حضرات آیات: مرحوم حاج شیخ محمدکاظم شیرازی، مرحوم حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی، مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری، مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمی و دیگر استوانه‌های عظیم حوزه بود.

بحث و تدریس، تألیف و تصنیف

آیت الله العظمی شیرازی (ره) به تلاش علمی در دو بُعد بحث و تدریس و تألیف و تصنیف، در سطح گسترده‌ای ادامه می‌داد و کتبی که در فقه و اصول تا آن تاریخ تألیف فرموده بود، در اختیار حوزه علمیه نجف اشرف قرار داد، که خود این نیز عامل بسیار مهمی برای تثبیت موقعیت علمی ایشان بود و موجب آن شد که توجه هر چه بیشتر حوزه به ایشان معطوف گردد.

آیت الله العظمی اصفهانی (ره) که از بدو ورود ایشان (سال ۱۳۳۳ هـ. ق) با نبوغ علمی و خلاقیت‌های فکری وی آشنا شده بود و او را فقیهی کامل و مجتهدی جامع الشرایط و عنصری لایق مرجعیت و رهبری امت بعد از خود می‌دانست، در سال ۱۳۶۳ هـ. ق برابر با سال ۱۳۲۳ شمسی، طی مرقومه‌ای ایشان را به عنوان شخصیتی شایسته مرجعیت معرفی نمود و از مردم خواست تا در امور دینی و احکام فقهیه خود، به ایشان رجوع کنند.

مبارزه در نجف اشرف علیه رژیم پهلوی

ایشان در نجف اشرف یعنی پایگاه فقاقت دنیای اسلام مبارزات بی‌امان خود را علیه استعمار آغاز کرد، با حذف رضاخان از صحنه قدرت و روی کار آمدن پسرش، به افشاکاری پرداخت و او را که با سپردن امور سیاسی و اقتصادی مملکت به بیگانگان، کشور و ملت را به مخاطره شدیدتری افکنده بود، مورد تقبیح و نکوهش قرار داده و با عنوان نمودن این مطلب که «عاقبت گرگ زاده گرگ شود» مردم را به مقاومت هر چه بیشتر دعوت فرمود.

حمایت از مرحوم آیت الله کاشانی، اعلام انزجار و ابراز تنفر شدید و محکوم نمودن جنایت اعدام نواب صفوی، مخالفت با لایحه ننگین انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تلگرام شدید اللحن به امینی نخست‌وزیر وقت، احضار سفیر کبیر ایران (در بغداد) به نجف اشرف و اعلام ضرورت لغو این لایحه، برخورد تند با رفران‌دوم ششم بهمن (انقلاب سفید شاه و مردم) که از توطئه‌های خطرناک با کارگردانی آمریکا بود، در تمامی این صحنه‌های سیاسی با صدور اعلامیه و مخالفت‌های صریح با توطئه‌های استعمار، نشان می‌دهد که این مرجع بزرگ چون کوهی استوار به بلندی رسالت مرجعیت دینی با صلابت ایستاده است.

مبارزات با رژیم‌های حاکم بر عراق

آیت الله العظمی شیرازی نه تنها با ایادی و عوامل استعمار در ایران مبارزه سختی می‌نمود، بلکه از همان روزهای اولی که به نجف اشرف مشرف شد، نسبت به دست نشاندگان استعمار پیرانگلیس بر مقدرات مردم عراق در زمان نظام سلطنتی عراق هم ساکت ننشست و پس از بروز تحولات سنگینی در عراق و سقوط رژیم سلطنتی و بر سر کار آمدن رژیم جمهوری در برابر رژیم عبدالکریم قاسم و اعمال ضدّ اسلامی و همچنین حکومت عبدالسلام عارف و خصومت او با شیعیان عراق و سرانجام با روی کار آمدن حزب بعث و آغاز جنایت‌های حسن البکرو صدام، لحظه‌ای از مبارزه و افشاکاری غفلت نورزید بلکه در کنار مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم (رحمة الله تعالی علیه) در برابر رژیم ضدّ اسلامی و دیکتاتور سفاک بعث موضعی قاطع اتخاذ نمود.

و به هنگام ترك نجف اشرف، از سوی استاد الفقهاء والمجتهدين مرحوم آیت الله العظمی عراقی اجازه اجتهاد مطلق و عدالت تائمه و گواهی رسیدن به عالی‌ترین مراحل فقهی و اصولی به وی داده شد. آیت الله العظمی شیرازی پس از ورود به شیراز به جنبه‌های علمی طلاب حوزه و مدارس علمیه و اوضاع دینی شهر که در اثر روی کار آمدن رژیم قلدر رضاخان وضع آشفته‌ای به خود گرفته بود، پرداخته و به آن سرو سامان دادند و از طرف دیگر در ارتباط با نقشه‌های شوم و جنایتکارانه رژیم پهلوی اول، که ماهیت تضادّ با اسلام را دارا بود با دیگر علمای اعلام و فقهای بزرگ شیراز و اصفهان و قم و به زعامت مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسّس حوزه علمیه قم، به امر افشاکاری و بیدار نمودن مردم پرداختند تا آنجا که جبهه وسیع و عظیم مخالفین رژیم پهلوی متشکل از کلیه طبقات ملت صورت گرفت و قم پایگاه مهمّ علمی و اسلامی، مرکز تجلی این تلاش‌ها و کوشش‌ها بود.

بر این اساس و پس از تبادل نظرها میان علماء و رهبران مذهبی، آیت الله العظمی شیرازی مصمّم به سفر به مشهد مقدّس شدند که در آنجا با مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و مرحوم آیت الله العظمی سید یونس اردبیلی (رحمة الله تعالی علیهما) مذاکراتی انجام داده و تصمیم قاطعی را اتخاذ نمایند.

تجلی این تصمیم قاطع، دعوت از همه اقشار مردم جهت تحضّن در مسجد گوهرشاد و خلاصه آن تحضّن، حادثه خونین مسجد گوهرشاد بود که در اثر حمله دد منشانه عمّال جنایتکار رژیم پهلوی با فجیع‌ترین وضع به متحضّنین رخ داد و در اعیان آن دستگیر نمودن هشت تن از مبزترین علماء و فقهاء مشهد مقدّس بود. دستگیری آیت الله العظمی شیرازی (رحمة الله) و آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (رحمة الله) و دیگر علماء بزرگ، موج وسیعی از خشم و نفرت مردم مسلمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی پدید آورد و ملت مسلمان ایران را برای يك مقابله جدّی با نظام دیکتاتوری رضاخانی آماده کرد و تحزکاتی در کشورهایی همانند هند، پاکستان و افغانستان رخ داد و اقداماتی از سوی علماء این بلاد صورت گرفت تا آنجا که شاه قلدر مجبور به مبادرت به آزاد نمودن بزرگان دین کرد.

آیت الله العظمی شیرازی پس از آزادی از زندان رضاخان قلدر در تهران، در روز سه شنبه ۲۸ رجب المکرم ۱۳۵۴ هجری قمری وارد شیراز شد و پس از گذشت يك سلسله مراسم، برنامه‌های وسیع الاطراف خود را از سر گرفت. با گذشت چند ماهی مجدداً مسئله کشف حجاب به نحو علنی و عمومی مطرح گردید و رژیم جنایتکار پهلوی تمهیداتی را برای تحقق یافتن این برنامه ضدّ اسلامی آغاز کرد. آیت الله العظمی شیرازی (رحمة الله) که از این وضع شدیدترین عذاب روحی را متحمّل شده و راهی برای قیام و انجام وظیفه، مقابله و مبارزه نمی‌یافت هجرت از شیراز را بر تداوم اقامت در آن شهر ترجیح داد.

تصمیم بر ترك شیراز و مراجعت به نجف

در هر صورت ایشان تصمیم به مراجعت به سوی نجف اشرف گرفت ولی این سفر با سفر گذشته تفاوت بسیار داشت؛ زیرا در سفر قبلی ایشان برای تحصیل علوم و معارف اسلامی و به دست آوردن مدارج عالی اجتهاد و فقاقت، راهی آن سرزمین مقدّس شده بود؛ اما این بار در مقام عالمی جلیل القدر و فقیهی نامدار و مجاهدی نستوه و استادی جامع که باید بر کرسی درس تکیه زند و به پرورش محصّلان و امر مقدّس آموزش و تعلیم و هدایت جامعه همت گمارد، به نجف اشرف آمده بود.

آیت الله العظمی شیرازی (ره) با این احساس و هدف در پایگاه عظیم علمی نجف اشرف، استقرار